



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

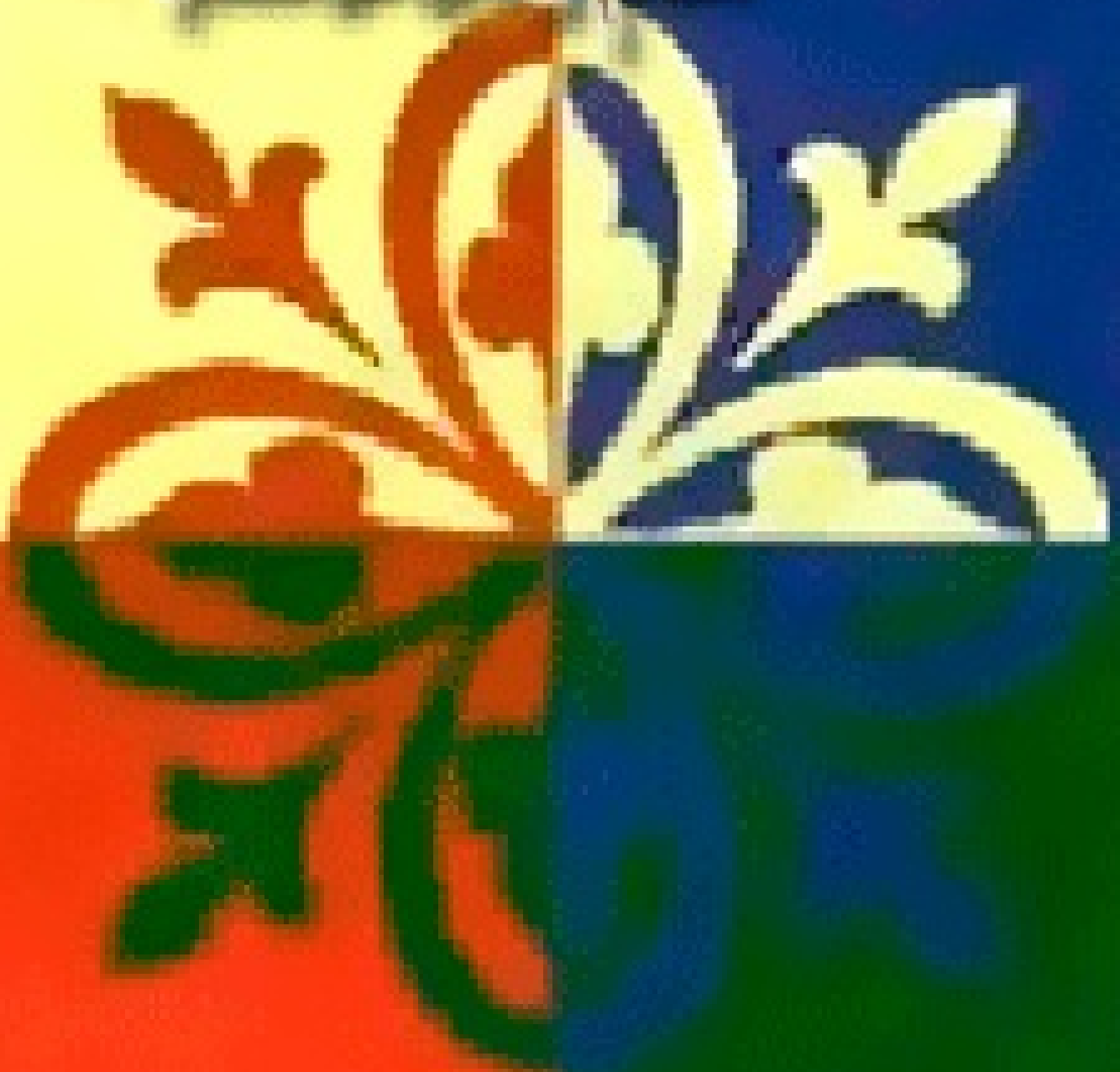
.org

.net

.ir

# آثار اعتقادیہ

امام زمان علیہ السلام



ہادی قنادھاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# آثار اعتقاد به امام زمان علیه السلام

نویسنده:

هادی قندهاری

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	آثار اعتقاد به امام زمان علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۲۰	مقدمه
۲۲	۱. پایه اصلی دین
۲۶	۲. شرط ایمان
۳۰	۳. توحید عملی
۳۴	۴. بندگی خداوند
۳۷	۵. شرط قبول اعمال
۴۲	۶. در عوالم وادیان قبل
۴۶	۷. برترین راه تقرب به خداوند
۵۰	۸. تنها راه نجات
۵۶	۹. شرط لازم برای مغفرت حق
۶۰	۱۰. هدایت الهی
۶۶	۱۱. برترین نعمت خداوند
۷۱	۱۲. در معرفت امام زمان
۷۷	۱۳. سبب علو مقام پیروان
۸۲	۱۴. تذکرات
۸۲	اشاره
۸۲	الف-عمل، لازمه ولایت ودوستی اهل بیت
۸۳	ب-وعده و وعید خداوند به محبین
۸۵	ج-نهی از غلو در شأن اهل بیت علیهم السلام

- ۸۶ ..... د- شرط ولایت اهل بیت علیهم السلام برائت از دشمنان
- ۸۷ ..... ه- تنها محبت اهل بیت علیهم السلام کافی نیست
- ۸۹ ..... و- اولویت ولایت بر دیگر فرائض
- ۹۱ ..... ز- لزوم تربیت فرزندان بر ولایت آل محمد علیهم السلام
- ۹۳ ..... ح- درجات بالاتر ولایت، با تقاضای از خدا
- ۹۶ ..... خاتمه
- ۹۸ ..... درباره مرکز

## آثار اعتقاد به امام زمان علیه السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه: قندهاری، هادی، ۱۳۳۴ -

عنوان و نام پدیدآور: آثار اعتقاد به امام زمان علیه السلام / هادی قندهاری.

مشخصات نشر: تهران: نشر منیر، ۱۳۷۸.

مشخصات ظاهری: ۸۶ ص.

شابک: ۴۵۰۰ ریال: ۹۶۴-۵۶۰۱-۳۶-۳؛ ۳۹۰۰ ریال (چاپ دوم)؛ ۴۳۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۴۳۰۰ ریال (چاپ چهارم)؛  
۵۵۰۰ ریال (چاپ پنجم)؛ ۸۵۰۰ ریال (چاپ هشتم)؛ ۱۱۰۰۰ ریال (چاپ نهم)؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ دهم)

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۷۹.

یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۰.

یادداشت: چاپ چهارم: ۱۳۸۰.

یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۸۲.

یادداشت: چاپ هشتم: ۱۳۸۶.

یادداشت: چاپ نهم: ۱۳۸۷.

یادداشت: چاپ دهم: ۱۳۸۸.

یادداشت: چاپ چهاردهم: ۱۳۹۳.

یادداشت: این کتاب در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۹۸ تجدید چاپ شده است.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -

موضوع: مهدویت

موضوع: ولایت -- احادیث

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴/ق ۲۸۵ ۱۳۷۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۱۷۰۳۸-۷۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: رکورد کامل

ص: ۱

**اشاره**



آثار اعتقاد به امام زمان

نویسنده: هادی قندهاری

ص: ۲







## فهرست

۹	.....	مقدمه
۱۱	.....	۱. پایه اصلی دین
۱۵	.....	۲. شرط ایمان
۱۹	.....	۳. توحید عملی
۲۳	.....	۴. بندگی خداوند
۲۶	.....	۵. شرط قبول اعمال
۳۱	.....	۶. در عوالم و ادیان قبل
۳۵	.....	۷. برترین راه تقرّب به خداوند
۳۹	.....	۸. تنه‌اراه نجات
۴۵	.....	۹. شرط لازم برای مغفرت حق
۴۹	.....	۱۰. هدایت الهی
۵۵	.....	۱۱. برترین نعمت خداوند
۶۰	.....	۱۲. در معرفت امام زمامت علیه
۶۶	.....	۱۳. سبب علوّ مقام پیروان
۷۱	.....	۱۴. تذکرات
۷۱	.....	الف- عمل، لازمه ولایت و دوستی اهل بیت علیهم
۷۲	.....	ب- وعده و وعید خداوند به محییین





ج - نهی از غلو در شأن اهل بیت <small>علیهم السلام</small> .....	۷۴
د - شرط ولایت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ، برائت از دشمنان .....	۷۵
هـ - تنها محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small> کافی نیست .....	۷۶
و - اولویت ولایت، بر دیگر فرائض .....	۷۸
ز - لزوم تربیت فرزندان بر ولایت آل محمد <small>علیهم السلام</small> .....	۸۰
ح - درجات بالاتر ولایت، با تقاضای از خدا .....	۸۲
خاتمه .....	۸۵





آثار اعتقاد به امام زمان عليه السلام

ص: ۷



## مقدمه

پیش از آن که به بحث در اصل مهدویت پردازیم، لازم است بدانیم که اصولاً جایگاه این بحث در اعتقادات شیعی کجا است؟ آیا اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و آشنایی و معرفت به آن حضرت و انتظار ظهور آن حضرت و توجه و توسل به آن حضرت ضرورت دینی دارد، و یا اینکه مسلمانی بدون آن نیز امکان پذیر است! اصولاً تا انسان به اهمیت چیزی پی نبرد، به آن دل نمی دهد و برای آن همت نمی گمارد و آن طور که شایسته است به آن ارجح نمی گذارد. لذا است که گفتگوی در این زمینه را در ۱۴ فصل زیر دنبال می کنیم.

ص: ۹



## ۱. پایه اصلی دین

از این تقسیم بندی عرفی و مشهور که اعتقاد به ولایت و امامت در اصول مذهب قرار گرفته، برخی به غلط این نتیجه را گرفته اند که اعتقاد به امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام ضرورت اسلامی نداشته، ایمان اسلامی بدون آن امکان پذیر است! در حالی که نصوص دینی، خلاف این دیدگاه را اثبات می کند.

حضرت باقر علیه السلام فرمودند: «بُنی الإسلام علی خمس: علی الصلاة والزکاه والصوم والحج والولایه ولم یناد بشیء کما نودی بالولایه»، اسلام بر پنج پایه بنا شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و برای هیچ کدام از چهار اصل قبلی به اندازه ولایت، سفارش نشده است.

سپس امام فرمودند: «فأخذ الناس بأربع وترکوا هذه (یعنی الولایه)».

ولی مردم، چهار اصل قبلی را گرفته، ولایت را رها کرده اند. (۱)

ص: ۱۱

این روایت، اولویت ولایت را بر چهار اصل عبادی اسلام، یعنی بر نماز و زکات و حج و ولایت نشان می دهد. در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام ولایت اهل بیت علیهم السلام بالاترین حقیقت دینی معرفی شده است.

آنجا که می فرمایند:

«ذروه الأمر وسنامه ومفتاحه وباب الأشياء ورضا الرحمن، الطاعة للإمام بعد معرفته»<sup>(۱)</sup>.

بالاترین ومرتفع ترین امر دین وکلید همه امور دینی ومدخل آنها، ومايه خرسندی خدای جهان، اطاعت از امام پس از معرفت او است.

بنابراین، ولایت اهل بیت علیهم السلام فرع دین نبوده، همه دین (غیر از توحید ونبوت) فرع ولایت محسوب می شود.

در روایتی از امام صادق علیه السلام که گزارش معراجهای مکرر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به ملکوت آسمانها است، اولویت ولایت اهل بیت بر دیگر فرائض ومبانی دین این گونه ترسیم شده است:

«عرج بالنبی صلی الله علیه وآله وسلم إلى السماء مئة وعشرين مرّة، ما من مرّة إلا وقد أوصى الله عزّ وجلّ فيها النبی صلی الله علیه وآله وسلم بالولاية لعلی والأئمة علیهم السلام أكثر ممّا أوصاه بالفرائض»<sup>(۲)</sup>.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم صد و بیست بار به معراج رفت، در هر بار خدای بزرگ، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را بیش از آن که به واجبات دینی توصیه نماید به ولایت علی وائمه علیهم السلام توصیه می فرمود.

پس امر ولایت از همه واجبات دینی اوجب واز یکایک فرائض الهی

ص: ۱۲

---

۱- کافی ۱۹/۲ ح ۵.

۲- بصائر الدرجات ۹۷/۲- خصال ۲۳/۲.

مهم تر است.

درجه این اهمیت چنان است که در فرمایش دیگری از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم دوستی اهل بیت علیهم السلام اساس دین معرفی شده است.

امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند:

«... ولكلّ شیء أساس وأساس الإسلام حبنا أهل البيت». (۱)

هر چیزی پایه هایی دارد و پایه اسلام، محبت ما اهل بیت است. حضرت باقر علیه السلام در مقام بیان پایه های دین، پس از معرفی نماز و زکات و روزه و حج و ولایت به عنوان ارکان دین، در پاسخ سوال زراره که پرسید: کدامیک از این ارکان پنجگانه افضل است، فرمودند:

«الولاية أفضل لأنها مفتاحهنّ والوالی هو الدلیل علیهنّ».

ولایت از دیگر مبانی برتر است. زیرا که کلید آنها ولایت است، پیشوای الهی مردم را به روش انجام آنها راهنمایی می نماید.

(۲)

نکته قابل توجه اینجا است که از پنج رکن (نماز، زکات، روزه، حج و ولایت) یاد شده، در چهار اصل آنها عذر موجه افراد در ناچاریها پذیرفته است و شارع مقدس تخفیف قائل گردیده است، مثل اینکه در سفر، نماز شکسته شده، زکات تا زمانی که مال به حد نصاب نرسد واجب نبوده، روزه بر بیمار و مسافر و پیر واجب نیست، حج به شرط استطاعت واجب می باشد.

ولی ولایت با هیچ عذری از دوش افراد برداشته نشده، در همه شرائط و حالات، افراد به معرفت و اطاعت امام، موظف بوده و بدان آزموده می گردند. (۳)

حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

ص: ۱۳

۱- کافی ۲/۴۶۶-بحار ۶۸/۳۴۳ ح ۱۵ و ۲۸۱ ح ۳۴-محاسن ۲۸۶/۲۸۶.

۲- محاسن ۲۸۶/تفسیر عیاشی ۱/۱۹۱.

۳- کافی ۲/۲۲ ح ۱۲ از امام صادق علیه السلام و بحار ۶۸/۳۷۶ ح ۲۱ از امام باقر علیه السلام.



«لا يعذر الله يوم القيامة أحداً يقول: يا ربِّ لم أعلم أنّ ولد فاطمه هم الولاه على الناس كافّة»

خداوند روز قیامت، عذر کسی را که بگوید: من از اینکه فرزندان حضرت فاطمه پیشوای همه مردم بوده اند خبر نداشتم، نمی پذیرد. [\(۱\)](#)

پس زیننده است که ما نسبت به این اصل که مهمترین رکن دینی (پس از توحید و نبوت) قلمداد شده است، توجه و اهتمام بیشتری ورزیم.

ص: ۱۴

---

۱- بحار ۶۸/۱۴ ح ۱۵.

خداوند متعال در قرآن، برخی از مسلمانان را شایسته مقام ایمان ندانسته، نام مسلمان را مناسب آنان معرفی نموده می فرماید:

(قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا). (۱)

اعراب مدعی ایمان شدند، ای پیامبر، به آنان بگو که لیاقت ایمان ندارید، ولی بگویید که ما اسلام آوردیم.

پس بین مسلمان و مومن تفاوت است. این تفاوت در کجا است؟ مومن چه اعتقادی دارد که مسلمان ندارد؟ تفاوت ایمان و اسلام، غیر از اعتقاد قلبی و عمل به مبانی دینی، در اعتقاد به اصل مهم ولایت اهل بیت علیهم السلام نهفته است. مومن کسی است که به جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، از امیر المومنین گرفته تا حضرت مهدی علیه السلام، به همگی آنان معتقد بوده آنان را جانشینان پیامبر و حجج الهی بداند. کسی که این اعتقاد را ندارد، شایسته لقب مومن نیست.

فردی از امام صادق علیه السلام درباره فرق اسلام و ایمان پرسید. امام صادق علیه السلام فرمودند:

ص: ۱۵

«الإسلام هو الظاهر الذي عليه الناس: شهاده أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأنَّ محمداً عبده ورسوله وإقامه الصلاة وإيتاء الزكاة وحج البيت وصيام شهر رمضان، فهذا الإسلام».

وقال: الإيمان معرفه هذا الأمر مع هذا، فإن أقرَّ بها ولم يعرف هذا الأمر كان مسلماً وكان ضالاً. (١)

اسلام همان اعتقاد آشكاری است كه مردم بر آن هستند. یعنی گواهی به توحید خداوند متعال ونبوت پیامبر اکرم و بر پاداشتن نماز وپرداخت زکات وانجام حج وروزه ماه رمضان، این اسلام است.

ولی ایمان عبارت است از اعتقاد به امامت اهل بیت عليهم السلام همراه با مبانی قبل (توحید ونبوت و...)، پس اگر فرد، به اسلام اقرار نمود وولایت اهل بیت را نشناخت، مسلمان گمراه است (مومن نخواهد بود).

در روایتی دیگر، حضرت باقر یا امام صادق علیهما السلام ایمان را این گونه توصیف فرموده اند:

«لا يكون العبد مؤمناً حتى يعرف الله ورسوله والأئمة كلهم وإمام زمانه ويرد إليه ويسلم له».

هیچ کس مومن نخواهد بود مگر اینکه خدا وپیامبرش وهمه امامان را بشناسد به معرفت امام زمانش نائل آید ومسائل را به او ارجاع دهد وتسلیم فرمان امام زمانش باشد. (٢)

ص: ١٦

---

١- تفسیر برهان ٤: ٢١٢/ ح ٥ (ذیل آیه فوق)؛ کافی ٢: ٢٤ و ٢٥/ ح ٤.

٢- کافی ١/ ١٨٠ ح ٢.

فردی از امیرالمومنین درباره حداقل ایمان و کفر و گمراهی پرسید، امام در پاسخ فرمودند:

حداقل ایمان آن است که خدای بزرگ، خود را به انسان بشناساند، پس انسان به اطاعت خدا اقرار کند، سپس خدا پیغمبرش را بشناساند و انسان به نبوت و دریافت تعالیم دین اقرار کند. (آن گاه خدا) حجت خود بر خلق و گواه بر خلق را به انسان معرفی نماید و انسان به فرمانبرداری او اقرار نماید... و حداقل گمراهی آن است که انسان حجت خدا در زمین و گواه خدا بر خلق را که خداوند به اطاعت او امر نموده و ولایت او را واجب کرده است نشناسد. (۱)

امام کاظم به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

«من أحبَّ أن يلقى الله عزَّ وجلَّ وقد كملَ إيمانه وحسن إسلامه فليتول الحجة بن الحسن المنتظر صلوات الله عليه».

کسی که می خواهد در حالی خدا را ملاقات کند که ایمان او کامل و اسلام او نیکو باشد پس به ولایت حجه بن الحسن که همه در انتظار اویند معتقد شود. (۲)

به همین جهت، در زیارت امام زمان علیه السلام خطاب به آن حضرت می گوئیم:

«السلام عليك يا باب الله الذي لا يؤتى إلا منه، السلام عليك يا سبيل الله الذي من سلك غيره أهلك».

ص: ۱۷

---

۱- کتاب سلیم / ۵۸ و ۵۹ / ح ۹؛ کافی ۲ / ۴۱۴ و ۴۱۵ / ح ۱.

۲- بحار ۲۷ / ۱۰۸ / ح ۸۰، بنابراین قاعده، منافقینی که از سر ترس یا طمع، اظهار اسلام کردند، و قلبا اعتقادی به توحید یا نبوت نداشتند، در ظاهر و در عالم دنیا مسلمان محسوب می گردند.

سلام بر تو ای دروازه (دین) خدا که جز از طریق آن نمی توان (به سوی خدا) آمد، سلام بر تو ای راه خدا که هر کس غیر آن را رود، هلاک می گردد.

پس اعتقاد به ولایت ائمه اطهار علیهم السلام و در زمان حاضر، ایمان به امامت و ولایت حضرت مهدی علیه السلام لازمه ایمان هر مومنی است که بدون آن، کسی به جرگه ایمان وارد نمی گردد.

ص: ۱۸

اگر چه حداقل اسلام، اقرار زبانی به شهادتین است ولی ایمان به توحید، زمانی محقق می شود که فرد به قلب، خدا را پذیرفته خویش را مطیع فرمان او قرار دهد که لازمه این اعتقاد و تسلیم، ایمان به قرآن و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است. همچنین لازمه چنین ایمانی، اعتقاد به خلفایی است که خداوند برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم مشخص فرموده است. پس کسی که به نبوت پیامبر اکرم ایمان نمی آورد، نمی تواند خود را مطیع فرمان خدا معرفی نموده، یکتا پرستی در زندگانی او متجلی نخواهد بود.

هم چنین، کسی که به خلفاء راستین پیامبر ایمان نمی آورد، نمی تواند از اعتقاد به خدا و پیامبر دم زند که اگر او به خدا و پیامبر ایمان می داشت، به سخن خدا و رسول در اطاعت از اهل بیت علیهم السلام توجه می نمود.

ابوحمزه از حضرت باقر علیه السلام در معنای معرفت خدا پرسید: امام علیه السلام معرفت خدا را این گونه توصیف فرمودند:

«تصدیق الله عزَّ وجلَّ وتصدیق رسوله صلی الله علیه و آله وسلم و موالاه علی علیه السلام والائتمام به و بأئمه الهدی علیهم السلام والبراه من عدوهم، هكذا يعرف الله عزَّ وجلَّ».

معرفت خدا عبارت است از تصدیق خدای بزرگ و قبول نبوت

پیامبر اکرم و اعتقاد به ولایت علی علیه السلام و پیروی از آن حضرت و از دیگر پیشوایان الهی علیهم السلام و بیزاری از دشمنان آنان، خدا این گونه شناخته می شود. (۱)

در روایت دیگری از حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام. پس از آن که آن حضرت، هدف آفرینش را معرفت و عبادت خداوند معرفی فرمودند، فردی از آن حضرت درباره معنای معرفت خدا پرسید، امام فرمودند: «معرفه أهل كل زمان إمامهم الذی یجب علیهم طاعته».

معرفت خدا عبارت است از معرفت مردم هر زمان، آن پیشوایی را که خدا اطاعت از او را بر آنها واجب ساخته است. (۲)

بدین گونه، ائمه علیهم السلام، خدا شناس بودن را در معرفت و اطاعت از امام زمان علیه السلام دانسته اند.

در سفر تاریخی امام رضا علیه السلام از مدینه به طوس، به هنگام عبور از نیشابور، محدثین بزرگ اهل سنت، افسار قاطری که امام بر آن سوار بودند را گرفتند و امام را به حق پدرانشان سوگند دادند و تقاضا کردند که آن حضرت، روایتی از اجداد خود نقل فرماید.

امام علیه السلام سر از کجاوه بیرون آوردند و به نقل از ایشان: امام کاظم، امام صادق، امام باقر، امام سجاد، امام حسین، امیرالمومنین و از پیامبر اکرم نقل کردند که خدای بزرگ فرمود:

«لا إله إلا الله حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی».

اعتقاد به توحید، دژ مستحکم من است پس کسی که در این دژ وارد شود (به توحید اعتقاد داشته باشد) از عذاب من در امان است.

ص: ۲۰

---

۱- کافی ۱/ ۱۸۰ ح ۱.

۲- بحار ۲۳: ۹۳ ح ۴۰.

هنگامی که قافله امام حرکت کرد، آن حضرت، حدیثی را که نقل فرموده بودند، این گونه تفسیر کردند:

«بشروطها وأنا من شروطها».

اعتقاد به توحید، شرائطی دارد وایمان به ولایت من، از شرائط موحد بودن است. (۱)

از اینروست که در برخی روایات، منکران ولایت اهل بیت علیهم السلام کافر و گمراه معرفی شده اند. زیرا که آنان حجت‌های الهی را نپذیرفته اند.

بدین جهت خداوند، اکثریت معتقدین به خدا را مشرک دانسته می فرماید:

(وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ)

بیشتر آنها به خدا ایمان نمی آورند بلکه شرک می ورزند. (۲)

این شرک شرک در عبادت نبوده، شرک در اطاعت است. (۳) لذا امام صادق علیه السلام فرمودند: مردم به معرفت ما وارجاع مسائل به ما و تسلیم امور به ما امر شده اند. (پس) اگر روزه گرفته، نماز خوانده و به توحید شهادت دهند، ولی تصمیم بگیرند که کارزها را به ما ارجاع ندهند به این جهت مشرک خواهند بود. (۴)

حضرت باقر علیه السلام نیز فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ نَصَّبَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامَ عِلْمًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ، فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا وَمَنْ جَهِلَهُ كَانَ ضَالًّا وَمَنْ نَصَّبَ مَعَهُ شَيْئًا كَانَ مُشْرِكًا وَمَنْ جَاءَ بِلَوْلَايَتِهِ دَخَلَ»

ص: ۲۱

۱- عیون اخبار الرضا ۲: ۱۳۴ / باب ۳۷ / ح ۴.

۲- سوره یوسف: ۱۰۶.

۳- کافی ۲: ۳۹۷ / ح ۴، از امام صادق علیه السلام.

۴- کافی ۲: ۳۹۸ / ح ۵.



خدای بزرگ، حضرت علی علیه السلام را نشانه ای میان خود و مخلوقاتش قرار داد، پس هر کس او را بشناسد مومن بوده و هر که او را انکار کند کافر است و هر کس به مقام او جاهل باشد گمراه است. کسی که دیگری را در مقام او انگارد مشرک است و هر کس با ولایت او (به نزد خدا) آید به بهشت داخل شود. (۱)

در زیارت جامعه که منقول از امام هادی علیه السلام است و از معتبرترین زیارات می باشد، نیز می خوانیم:

«من أتبعكم فالجنة مأويه ومن خالفكم فالنار مثويه ومن جحدكم كافر و من حاربكم مشرك و من ردّ عليكم في أسفل درك من الجحيم».

کسی که از شما اهل بیت پیروی کند جایگاه او بهشت بوده، جایگاه مخالفین شما در آتش جهنم است. کسی که مقام شما را انکار کند کافر است، آن کس که با شما به جنگ پردازد مشرک است و کسی که با شما مخالفت کند در پایین ترین درجات جهنم جای خواهد داشت.

ص: ۲۲

در مباحث توحیدی مطرح است که خداوند متعال از همه صفات و خصوصیات که در مخلوقات مادی و غیر مادی وجود دارد منزّه و متعالی است. یعنی بین خالق و مخلوق هیچ شباهتی از هیچ جهتی وجود ندارد. بنابر این خداوند متعال، صورت ندارد، دست ندارد، چشم و زبان ندارد، خشم و خشنودی ندارد. این صفات، مربوط به مخلوقات بوده، در خدای تعالی نیست. صورت و دست و چشم و زبان خدا، حجت های او، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت - و در زمان ما حضرت مهدی علیه السلام - می باشند. آنان صورت خدایند، زیرا برای توجه به خدا باید به آنان توجه کنیم. آنها دست خدایند زیرا که خداوند از قدرت خود به آنان اعطا کرده، آنها وسیله دریافت و انتشار لطف و فیض خدا در میان مخلوقاتند. آنها چشم خدا هستند زیرا که امام هر زمان از جانب حق بر مردم آن زمان، شاهد و ناظر می باشد. آنها زبان خدایند، زیرا که دستورات حق را برای مردم بیان می کنند. خشم و خشنودی آنان خشم و خشنودی خدا است و اطاعت از آنان بندگی خدا است. پس بندگی خدا از غیر طریق اطاعت آنان و در غیر راه ولایت آنان انجام نمی پذیرد.

امام صادق علیه السلام خطاب به ابن ابی یعفر فرمودند:

بدرستی که خداوند یگانه و یکتا بوده و در یکتایی خود یگانه است، همه امور تنها در دست او است.

مخلوقات را آفرید و سپس امر دینش را به آنها واگذار کرد، پس ما آن مخلوقاتیم. ای پسر ابی یعفور، ما حجت خدا در میان بندگان و گواهان خدا بر خلق و امین بر وحی الهی و خزانه دار علم او هستیم. ما صورت خداییم که از آن بسوی خدا توان رفت و ما چشم خدا در میان مخلوقاتیم و ما زبان گویای خداوند بوده، قلبی هستیم که علم او را در بر گرفته، دری هستیم که بسوی او راهنمایی می کند. ما عمل کننده به امر او و دعوت کننده به راه او بوده، خدا توسط ما شناخته می شود. و از (طریق ولایت) ما بندگی می گردد، ما راهنمایان بسوی خدا هستیم و اگر ما نبودیم خدا بندگی نمی شد. [\(۱\)](#)

آن حضرت در روایت دیگر فرمودند:

خدای بزرگ همچون ما ناراحت نمی شود، ولی او اولیایی را برای خود آفرید که آنان ناراحت و خشنود می گردند. (زیرا که) آنان مخلوق بوده تحت تدبیر خدایند. پس خداوند، خشنودی آنان را خشنودی خود و خشم آنان را خشم خود قرار داده است، زیرا که آنان، دعوت کنندگان بسوی خدا و راهنمایان بسوی او می باشند... [\(۲\)](#)

همین مضمون را در زیارت جامعه این گونه می خوانیم:

«من أَرَادَ اللهُ بِدَأْ بَكُمُ وَمِنْ وَحْدِهِ قَبْلَ عِنَکُمْ وَمِنْ قَصْدِهِ تَوَجَّهَ بِکُمْ».

ص: ۲۴

---

۱- التوحید: ۱۵۲/ ح ۹.

۲- التوحید: ۱۶۸ و ۱۶۹/ ح ۲؛ کافی ۱: ۱۴۴ و ۱۴۵.

هر کس که خدا را بخواهد، از شما اهل بیت آغاز می کند و آن کس که به یگانگی خدا ایمان آورد، آن را از شما اهل بیت می پذیرد و هر کس بخواهد بسوی خدا رو کند، به شما اهل بیت توجه می نماید.

در حدیث قدسی آمده است:

«إِنَّ أَعْظَمَ الطَّاعَاتِ تَوْحِيدِي وَتَصْدِيقَ نَبِيِّ وَالتَّسْلِيمَ لِمَنْ يَنْصِبُهُ بَعْدَهُ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْأُتَمَّهُ الطَّاهِرُونَ مِنْ نَسَلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

به درستی که برترین راه بندگی من، اعتقاد به یکتایی من و قبول پیامبر من و تسلیم بودن در برابر کسی است که پیامبر او را منصوب نموده، یعنی علی بن ابی طالب و پیشوایان معصوم از نسل او می باشد. (۱)

از این روی اگر ما در مقام بندگی خدا و اطاعت از او باشیم، بندگی و عبادت بستری جز ولایت اهل بیت و اطاعت از امام علیه السلام و توجه و توسل به او ندارد.

ص: ۲۵

آن هنگام که خدا ابلیس را به سجده آدم امر کرد، ابلیس تکبر نموده از خدا خواست که او را از این فرمان معاف داشته در عوض، عبادتی کند که هیچ کس خدا را آن گونه عبادت نکرده باشد! خداوند در پاسخ او فرمود: عبادت آن است که من فرمان می دهم نه آن که تو می خواهی (۱). یعنی عبادت، اطاعت فرمان خدا است، و تنها به سجده رفتن و تضرع نمودن عبادت نیست. نماز و دعا به شرطی عبادت است که در اطاعت از فرمان خدا باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم اگر ابلیس پس از نافرمانی و تکبر از اطاعت دستور خدا، به مقدار عمر دنیا بر خدا سجده می کرد، برای او سودی نمی داشت و خدا از او نمی پذیرفت، مگر اینکه او طبق فرمان خدا بر آدم سجده می کرد. وضعیت این امتی که بعد از پیامبرش صلی الله علیه و آله وسلم نافرمانی کرده گمراه شده است نیز چنین است. بعد از ترک گفتن پیشوایی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای آنها منصوب کرد، خداوند هرگز عملی از آنها را نمی پذیرد و نیکیهای آنها را بالا نمی برد، مگر

ص: ۲۶

---

۱- مضمون فوق در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: بحار ۶۳: ۲۵۰.

اینکه از آن جهتی که خدا امر کرده است بیایند وامامی را که خدا به ولایتش امر کرده اطاعت کنند و از بابی که خدا ورسول برای آنها گشوده اند وارد شوند. (۱)

امام باقر یا امام صادق علیهم السلام فرمودند:

خاندانی در بنی اسرائیل بودند که در پی چهل روز عبادت، هر چه از خدا طلب می کردند، خداوند به آنها مرحمت می فرمود. یکی از آنان به عبادتی چهل روزه پرداخت ولی دعای او پذیرفته نشد.

به نزد حضرت عیسی شکایت کرد. حضرت عیسی علیه السلام تطهیر نموده نماز خواند. آن گاه به درگاه حق دعا کرد. وحی آمد: «یا عیسی اِنَّ عبدی اُتانی من غیر الباب الذی اُوتی منه، اِنَّه دعانی وفی قلبه شکّ منک فلو دعانی حتّی ینقطع عنقه وتنشر اُنامله ما استجبت له».

ای عیسی او از غیر دری که باید بیاید به نزد من آمد. او مرا خواند. اما در دلش نسبت به تو تردید داشت. پس اگر (با این حال، آن قدر) مرا بخواند که گردش قطع شده انگشتانش جدا شود، دعایش را اجابت نخواهم کرد.

حضرت عیسی از او پرسید: آیا تو به نبوت من شک داری؟ او اعتراف کرد و از حضرت عیسی تقاضا کرد که برای او دعا کند تا خدا تردید قلبی او را برطرف سازد، عیسی علیه السلام دعا نموده، خدا توبه او را پذیرفت و دعای او مستجاب شد. (۲)

ص: ۲۷

---

۱- وسائل ۱: باب ۲۹/ح ۵.

۲- کافی ۲: ۴۰۰/ح ۹؛ مشابیه آن در بحار ۱۳: ۳۵۵/ح ۵۳ در عصر حضرت موسی علیه السلام.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نیز در خطبه غدیریه فرمودند:

ای مردم، خدای بزرگ دینش را با امامت علی کامل کرد، پس کسانی که امامت او و جانشینان او از فرزندان من که تا قیامت و حضور در برابر حق می آیند را نپذیرند، اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شده در آتش جاودانه خواهند بود. (۱)

این مطلب، تعجیبی ندارد، زیرا خداوند، قبول زحمات بیست و سه ساله پیامبر در ایام نبوت را نیز به ابلاغ ولایت امیر المومنین علیه السلام مشروط کرده فرمود:

(وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) (۲)

اگر وظیفه خود در ابلاغ ولایت علی را انجام ندهی، رسالت خود را انجام نداده ای!

و در جای دیگر می فرماید:

(مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ)

اعمال کسانی که به خدا کافر شدند، به خاکستری می ماند که در روز طوفانی با تندبادی شدید، از بین رفته، از کوشش خویش بهره ای نبرند. (۳)

در روایت حضرت باقر علیه السلام، منکرین ولایت اهل بیت علیهم السلام مصداق این آیه معرفی شده اند. (۴)

ص: ۲۸

۱- احتجاج ۱: ۷۶.

۲- سوره مائده: ۶۷.

۳- سوره ابراهیم: ۱۸.

۴- کافی ۱: ۱۸۴/ح ۸.

لذا امام صادق علیه السلام فرمودند:

برای دشمن ما اهل بیت تفاوتی ندارد، چه روزه گرفته نماز بخواند و یا زنا کرده دزدی کند، او در آتش خواهد بود، او در آتش خواهد بود. (۱)

در عصر حاضر نیز، آن بابی که هیچ عبادتی جز از طریق ولایت او پذیرفته نیست، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. در زیارت جامعه، خطاب به این بزرگواران می گوئیم:

«و بموالانکم تقبل الطاعه المفترضه».

با ولایت شما است که خداوند عبادات واجب را می پذیرد.

پس کسی که خدا را از غیر این باب، بندگی کند، خدا از او نخواهد پذیرفت. امام صادق علیه السلام در نامه ای به مفضل بن عمر مرقوم فرمودند:

کسی که نماز خوانده، زکات بدهد، حج و عمره بجا آورد ولی معرفت آن کس که خدا اطاعت او را واجب ساخته است نداشته باشد، نه نماز خوانده، نه روزه گرفته، نه زکات داده، نه حج و عمره بجا آورده، نه از جنابت غسل کرده و تطهیر نموده، نه حرامی را رها کرده و نه حلالی را حلال داشته است. برای او نماز نیست هر چند که رکوع و سجود کند، و برای او زکات و حجی نخواهد بود. تمام این اعمال با شناخت آن فردی انجام می شود که خداوند بزرگ با امر به اطاعت او بر مردم منت نهاده است. (۲)

مضمون روایات فوق در مجامیع حدیثی شیعه آن قدر زیاد است که فقهاء شیعه در آغاز کتب فقهی خویش، بابی تحت عنوان «إبطال العباده بدون

ص: ۲۹

---

۱- عقاب الاعمال: ۲۵۱/ح ۱۸.

۲- بحار: ۲۷ و ۱۷۵ و ۱۷۶/ح ۲۱.



ولایه الأئمة علیهم السلام و اعتقاد إمامتهم» گشوده اند.

یعنی هر عبادتی که بدون ولایت ائمه و اعتقاد به امامت آنها انجام شده باشد باطل است. محدث بزرگ شیعه، مرحوم شیخ حر عاملی باب ۲۹ جلد اول از کتاب وسائل الشیعه خویش را به این مطلب اختصاص داده و در آن ۱۹ حدیث نقل نموده و محدث نوری در مستدرک الوسائل، ۶۶ حدیث دیگر به این مجموعه در این موضوع افزوده است.

این قبیل روایات، در کتب اهل سنت نیز نقل شده است. جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل نموده که فرمودند:

«یا علی لو أن أمتی صاموا حتّی یكونوا کالحنایا وصلّوا حتّی یكونوا کالأوتار و بغضوک لأکبهم الله فی النار».

ای علی اگر امت من آن قدر روزه بگیرند که همچون کمان (گوژ پشت) شده و آن قدر نماز بخوانند که چون زه (لاغر) شوند ولی تو را دشمن بدارند، خداوند آنان را در آتش جهنم می افکند. (۱)

ص: ۳۰

قبل از اینکه جد ما حضرت آدم علیه السلام آفریده شود و ما به خلقت جسمانی به این دنیا منتقل شویم، خداوند متعال ارواح همه انسانها را آفریده (۱) و در آن عالم، در حالی که همه ارواح حضور داشتند، معرفت خویش را به همه ارزانی داشت و بر بندگی خود از آنان میثاق گرفت. (۲) آن گاه خداوند متعال، پیامبر اکرم و امیر المومنین علیه السلام و دیگر پیشوایان معصوم و در پایان، حضرت مهدی علیه السلام و غیبت و ظهور آن حضرت در آخر الزمان را بر همه ارواح ارزانی داشت (۳) و همگان را به پذیرش ولایت آنان آزمود. در این آزمایش، که در عالم قبل برگزار شد، همچون آزمایش های بعدی آن در دنیا (غدیر، سقیفه، عاشورا و...) همه ایمان نیاورده - با آنکه بر آنان اتمام حجت شده بود - برخی با آن به مخالفت برخاسته، به علت مخالفت با حکم خدا، کافر قلمداد شدند.

ص: ۳۱

---

۱- آیه ۱۷۲ سوره اعراف بیانگر این حقیقت اعتقادی است.

۲- روایات این بحث بسیار فراوان است که تعدادی از آن را علامه مجلسی قدس سره در بحار جلد ۶۱ / باب ۴۲ و ۴۳ نقل نموده است.

۳- در زیارت آل یس نیز به این مطلب اشاره شده است: «السلام علیک یا میثاق الله الذی أخذہ و وکده» سلام بر تو ای کسی که خدا درباره ولایت تو عهد گرفته و آن را محکم ساخت.

روایاتی که بیانگر مطالب فوق باشد، آن قدر در کتب وجوامع حدیثی شیعه واهل سنت فراوان است که از حد تواتر گذشته، از مسلمیات اعتقاد اسلامی تلقی می گردد.

امام صادق علیه السلام به صحابی بزرگ خود داود رقی فرمودند: هنگامی که خدای بزرگ اراده کرد مخلوقات را بیافریند، آنان را آفرید و در مقابل پراکنده ساخت، آن گاه به آنان گفت: پروردگار شما کیست؟ پس اول کسی که سخن گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم امیر المومنین وائمه صلوات الله علیهم اجمعین بودند. آنان گفتند: خدایا تو پروردگار ما هستی. لذا خداوند آنان را حامل علم و دین خود فرمود. آن گاه به ملائکه فرمود: اینان حاملان دین و علم من بوده امین من در میان خلقم هستند، و (درباره) آنان پرسش خواهد شد. آن گاه خدا به (ارواح) آدمی زادگان گفت: به ربوبیت خدا و (لزوم) اطاعت و ولایت این افراد (اهل بیت) اقرار کنید... سپس امام، در پایان حدیث فرمودند: ای داود، ولایت ما در عالم میثاق (قبل از دنیا) مورد تاکید بوده است. (۱)

حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

اگر مردم می دانستند که (حضرت) علی در چه زمان به (لقب) امیر المومنین نامیده شد ولایت او را انکار نمی کردند!

راوی پرسید: خدا شما را رحمت کند، چه زمان به این لقب ملقب شد؟ فرمودند: آن زمان که خدای بزرگ، فرزندان آدم را از پشت آنها بیرون کشید و آنان را بر خویش گواه گرفته فرمود: آیا من

ص: ۳۲

آفریدگار شما و محمد پیامبر من و علی امیر مومنان نیست؟ (۱)

ولایت نه فقط در عالم قبل به همه انسانها عرضه شد و افراد بر آن آزموده شدند، در عالم دنیا نیز، خداوند متعال، ولایت چهارده معصوم علیهم السلام را در متن تمام کتابهای آسمانی قرار داده، افراد را به ایمان به آن دعوت فرمود.

حضرت کاظم علیه السلام فرمودند:

(ولایه علی مکتوب فی جمیع صحف الأنبیاء ولن یبعث الله نبیاً إلاّ بنبوه محمد وولایه وصیّه علی علیه السلام). (۲)

ولایت حضرت علی در تمامی کتابهای آسمانی انبیاء نوشته شده بود و خدا هیچ پیامبری را به نبوت برانگیخته نکرد مگر اینکه او مامور به دعوت خلق به سوی نبوت محمد و ولایت وصی او علی علیه السلام بود. (۳)

این مطلب در کتب اهل سنت نیز به صراحت یافت می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در گزارش سفر معراج فرمودند:

فرشته ای بسوی من آمد و گفت: ای محمد از (ارواح) پیامبرانی که بیش از تو فرستادیم بپرس (۴) که بر چه چیز مبعوث شدند. من پرسیدم. آنان گفتند: بر ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب

ص: ۳۳

---

۱- بحار ۳۷: ۳۰۶/ح ۳۵.

۲- بصائر الدرجات: ۷۲.

۳- اگر چه از کتب آسمانی قبل، معدودی چون تورات و انجیل باقی مانده، آنها نیز به صورتی کاملاً تحریف یافته و دستکاری شده موجودند، ولی هنوز آثار ولایت اهل بیت علیهم السلام در این کتب قابل کشف می باشد. رجوع کنید به کتاب ارجمند انیس الاعلام: جلد ۵.

۴- مضمون آیه ۴۳ سوره زخرف.

مبعوث شده بودیم. (۱) پس ولایت اهل بیت علیهم السلام در عالم قبل بر همه عرضه گردیده وسیله آزمایش الهی در آن عالم بوده است، چه رسد به این عالم. وانبیاء وادیان سابق، مامور تبلیغ ولایت بوده اند، چه رسد به این دین!

ص: ۳۴

---

۱- تاریخ دمشق، ترجمه الامام علی / ابن عساکر ۲: ۹۷.

## ۷. برترین راه تقرب به خداوند

مسلم راه تقرب به خداوند، انجام دستورات و دوری از منهیات او است. ولی در میان فرائض دینی، هیچ فریضه ای (پس از توحید و نبوت) به اهمیت ولایت نمی باشد. لذا است که برترین راه تقرب به خدا، ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در همین زمینه فرمودند:

«لِكُلِّ أَمْرٍ سَيِّدٌ وَحَبِيبٌ وَحَبِّبٌ عَلَى سَيِّدٍ مَا تَقَرَّبَ بِهِ الْمُتَقَرِّبُونَ مِنْ طَاعَةِ رَبِّهِمْ».

در هر کاری رتبه برتری وجود دارد، و محبت من و محبت علی، برترین طاعتی است که افراد می توانند از طریق آن به خدا تقرب جویند. (۱)

لذا در نظام آفرینش، مقام آن مخلوقی برتر است که در امر ولایت، اعتقاد و اخلاص بیشتری نشان داده باشد. در همین راستا، انبیا در عالم قبل،

ص: ۳۵

---

۱- بحار ۲۷: ۱۲۹/ ح ۱۹، در زیارت عاشورا نیز ما با ولایت سید الشهداء و براءت از دشمنان آن حضرت به نزد خدا و اهل بیت علیهم السلام تقرب جسته می گوئیم: (یا أبا عبد الله إني أتقرب إلى الله و... بموالاتك وبالبراءة ممن أسس أسس ذلك).

با آزمون ولایت برگزیده شده، مقام رفیع نبوت، به این دلیل به آنان واگذار شد که در آن آزمایش، آنان ولایت را در درجه بالاتری پذیرفته، نسبت به اهل بیت علیهم السلام خضوع بیشتری داشتند. حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

«... آن گاه خداوند از انبیاء میثاق گرفته، فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ سپس خداوند فرمود: آیا محمد پیامبر من وعلی رهبر مومنین نمی باشد؟ همه آنها پذیرفتند. لذا نبوت آنها تثبیت شد.»

گزینش انبیای اولو العزم، از میان گروه کثیر انبیا ورسل نیز به آزمون ولایت و معرفت اهل بیت و پذیرش غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام بود.

امام باقر در ادامه حدیث فوق فرمودند:

و خداوند از پیامبران اولو العزم عهد گرفت به اینکه:

من پروردگار شما و محمد پیامبر من وعلی امیر مومنان بوده، جانشینان او صاحب ولایت و خزانه دار علم من خواهند بود و مهدی کسی است که توسط او دینم را یاری کرده، دولت را ظاهر می سازم و به واسطه او از دشمنانم انتقام می گیرم و به واسطه او در زمین، با اشتیاق یا کراهت بندگی خواهم شد.

همه آنها گفتند: پروردگارا به همه مطالب فوق اقرار کرده شهادت می دهیم. ولی آدم (توقف نموده) نه انکار کرد و نه اقرار نمود، لذا مقام اولو العزمی برای آن پنج پیامبر، به علت پذیرش ولایت مهدی تثبیت شده، برای آدم این مقام قرار نگرفت. زیرا او نسبت به مهدی (در ابتداء امر) اقرار ننمود.

آن گاه امام علیه السلام به این آیه شریفه استناد کردند:

(وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا) (۱)

ما از قبل بر آدم عهدی کردیم، ولی آدم عهد ما را فراموش کرد و ما او را صاحب عزم نیافتیم. (۲)

ملائکه آسمانها نیز با همین ملائک از میان دیگر مخلوقات، گزیده شده، در این مقام منصوب گردیده، و رمز درجات گوناگون آنان نیز به همین امر برگشت می کند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ملائکه الهی با همه تقریبی که به حق متعال دارند، به علت همین اعتقادی که شما بر آن هستید (عقیده ولایت) به مجاورت خداوند راه یافته اند... (۳)

در روایت دیگری، آن حضرت، پس از بیان کثرت تعداد ملائکه می فرمایند:

«ما منهم أحد إلا ويتقرب كل يوم إلى الله بولائتنا أهل البيت ويستغفر لمحبتنا ويلعن أعدائنا»

همه ملائکه، هر روز با ولایت ما اهل بیت بسوی خدا تقرب جسته، برای محبت ما استغفار نموده دشمنان ما را نفرین می کنند.

آن گاه امام علیه السلام، این گونه به قرآن استناد فرمودند:

(الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا). (۴)

ص: ۳۷

---

۱- سوره طه: ۱۱۵.

۲- بصائر الدرجات: ۷۰/ح ۲؛ کافی ۲: ۸/ح ۱.

۳- بصائر الدرجات: ۶۸.

۴- سوره غافر: ۷.



حاملان عرش و اطرافیان آنها (ملائکه)، با حمد پروردگارشان خدا را تسبیح گفته، برای افراد مومن طلب آمرزش می کنند. (۱)

وقتی پدر ما حضرت آدم علیه السلام به علت عدم یقین به امام زمان علیه السلام، از مقام والای اولو العزمی تنزل می کند و دیگر انبیا با پذیرش آن به این مقام ارتقاء یابند، آیا در عصر حاضر، برای ما، راهی جز اخلاص در قبول ولایت امام زمان علیه السلام و ارتباط و توسل به آن حضرت در تقرب به خداوند وجود خواهد داشت؟ آری، ولایت امام زمان علیه السلام بالاترین راه تقرب به حق متعال و محکمترین ریسمان ایمان در عصر حاضر است.

امام صادق علیه السلام از یکی از اصحابشان پرسیدند: کدام ریسمان ایمان محکمتر است؟ گفتند: نماز، فرمودند: نماز فضیلت دارد، ولی محکمترین ریسمان ایمان نیست. گفتند زکات. فرمودند: زکات فضیلت دارد، ولی محکمترین ریسمان ایمان نیست.

گفتند: روزه ماه رمضان... حج و عمره... جهاد در راه خدا و امام در هر یک، با تایید فضیلت این اعمال، آن را محکم ترین ریسمان ایمان ندانستند. هنگامی که اصحاب از پاسخ ناتوان شدند. امام فرمودند:

«إِنَّ أَوْثَقَ عَرَى الْإِيمَانِ الْحَبِّ فِي اللَّهِ وَالْبَغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوَالِي وَلِيِّ اللَّهِ وَتَعَادِي عَدُوِّ اللَّهِ».

بدرستی که محکمترین و قابل اعتمادترین ریسمانهای ایمان، تولی و تبری و قبول ولایت اولیاء خدا و دشمنی با دشمنان خدا است. (۲)

ص: ۳۸

---

۱- بحار ۶۸: ۷۸ ح ۱۳۹.

۲- محاسن: ۱۶۵/ ح ۱۲۱.

همان طور که در فصل اول گفته شد، ایمان غیر از اسلام است. مسلمان (گوینده شهادتین) از اسلام خویش در دنیا بهره مند می شود: ارث می برد، ازدواج می کند و از حقوق یک مسلمان در جامعه بهره مند است. ولی مومن، یعنی آن کس که مطیع ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم است، علاوه بر اینکه در بهره وری از آثار دنیوی اسلام، با مسلمان برابر است، مزیتی که دارد این است که از آثار معنوی و اخروی ایمان نیز بهره مند است، در حالی که مسلمان غیر مومن از آن بهره ای ندارد. و آن عبارت است از: قبول اعمال و نجات اخروی و شفاعت اولیاء خدا در عالم آخرت.

در حدیث شیعه و اهل سنت آمده که عمر بن خطاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره صحت این روایت پرسید که:

(من قال: لا إله إلا الله، محمد رسول الله دخل الجنة).

کسی که به توحید و نبوت معتقد باشد، اهل بهشت است.

رسول خدا حدیث فوق را تایید نموده، فرمودند:

«نعم، إذا تمسك بمحبه هذا و ولايته».

آری، بشرط اینکه به محبت علی بن ابی طالب و ولایت او متمسک

باشد. (۱)

یعنی ولایت آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم در دنیا و آخرت به مانند دژ مستحکمی است که انسان را از عذاب الهی حفظ می کند (۲)، زیرا امام رضا علیه السلام در روایتی از اجداد طاهری نشان از رسول خدا از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از لوح از قلم نقل نمودند، که خدای تبارک و تعالی فرمود:

«ولایه علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی آمن من عذابی».

ولایت علی بن ابی طالب سنگر من است، هر کس که در این سنگر وارد شود از عذاب الهی ایمن است. (۳)

رمز این سخن این است که در مراحل مختلف از عالم آخرت، قبل از هر گونه محاسبه و پرسشی، از امر ولایت و اعتقاد به امامت ائمه هدی علیهما السلام می پرسند، و آن کس که پاسخگو نباشد نجات نخواهد یافت.

ابن حجر عسقلانی - دانشمند بزرگ اهل سنت - از یونس بن خباب نقل می کند که پس از توضیح درباره چگونگی عذاب قبر، گفت:

در اینجا مطلبی است که ناصبی ها (دشمنان اهل بیت) آن را پنهان داشته اند! گفتم: آن مطلب چیست؟ گفت:

(إِنَّهُ لِيَسْتَلُّ فِي قَبْرِهِ: مَنْ وَلِيَّكَ، فَإِنْ قَالَ: عَلِيٌّ نَجِيٌّ).

ص: ۴۰

---

۱- امالی شیخ طوسی ۱: ۲۸۸؛ صحیح مسلم ۱: باب من لقی الله تعالی بالایمان.

۲- روایات این باب بسیار فراوان است، بعنوان نمونه مرحوم علامه مجلسی در کتاب ارجمند بحار الانوار جلد ۶۸ / باب ۱۸ باب الصفح عن الشیعه، ۹۷ روایت در این زمینه نقل نموده است.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام ۲: ۱۳۶.

در عالم قبر درباره امامت می پرسند، اگر فرد بگوید: امام علی است نجات پیدا می کند. (۱)

در قیامت نیز آن گاه که نامه اعمال را منتشر کنند، عنوان نامه عمل هر کس، موضع او در قبال امر ولایت است. (۲) و عبور از پل صراط نیز نیازمند اعتقاد به ولایت بوده، منکر ولایت در جهنم سقوط نموده، پیرو اهل بیت امکان عبور دارد (۳) که امام صادق به نقل از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در روایتی که سنی و شیعه نقل کرده اند فرمودند:

«أثبتکم قدماً علی الصراط أشدکم حباً لأهل بیتی».

کسی از شما بر پل صراط ثابت قدم تر است که محبت بیشتری به اهل بیت من دارد. (۴)

در زیارت جامعه نیز می خوانیم:

«بکم یسلك إلى الرضوان وعلی من جحد ولایتکم غضب الرحمن»

با ولایت شما است که افراد به بهشت می روند و بر منکرین ولایت شما، خشم خدا خواهد بود.

مفسر بزرگ اهل سنت، آلوسی در ذیل آیه: (وَقَفَّوْهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ) (۵)،

ص: ۴۱

---

۱- تهذیب التهذیب/ ابن حجر ۱۱: ۴۳۹.

۲- این مطلب در روایات سنی و شیعه آمده است، بعنوان نمونه: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: (عنوان صحیفه المؤمن حبّ علی بن ابی طالب). تاریخ بغداد/ خطیب بغدادی ۴: ۴۱۰.

۳- مضمون حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در کتب اهل سنت و شیعه بعنوان مثال: المناقب ابن مغازلی شافعی: ۲۴۲/ ح ۲۸۹.

۴- فضائل الشیعه/ شیخ صدوق: ۵.

۵- سوره صافات: ۲۴.

«ایشان را از حرکت بازدار، آنها باید مورد رسیدگی قرار گیرند»، درباره موضوع پرسش، اقوالی نقل کرده، آن گاه گوید:

«وأولى هذه الأقوال إنَّ السؤال عن العقائد والأعمال ورأس ذلك لا إله إلاَّ الله ومن أجله ولايه على كرم الله وجهه».

بالاترین اقوال اینکه: سؤال از عقائد و اعمال است و در رأس همه عقائد توحید، و برترین این اعتقادات ولایت علی علیه السلام است. (۱)

به امام باقر علیه السلام خبر رسید که «عکرمه»، غلام ابن عباس، که مردی خبیث و دشمن اهل بیت بود، در حال مردن است. فرمودند: اگر قبل از مرگ به او برسم به او مطلبی می آموزم که به آتش جهنم دچار نشود. اصحاب عرض کردند: (او که مرد) پس آن مطلب را به ما بیاموزید! فرمودند:

«والله ما هذا إلاَّ الأمر الذى أنتم عليه».

به خدا قسم این مطلب جز همین اعتقاد به ولایت که شما بر آن هستید نمی باشد. (۲) لذا است که بزرگترین محدث اهل سنت - بخاری - از قول رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نقل کرده است که درباره قیامت فرمودند:

«ليردنَّ عليَّ حوضي أقوام فيختلجون فأقول: أصحابي، فيقال: إنَّك لا تدري ما أحدثوا بعدك، فيختلجون». (۳)

گروه هایی از امت اسلام در قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شده، ملائکه مانع آمدن آنها می شوند، من می گویم:

خدایا

ص: ۴۲

---

۱- تفسیر روح البیان ۲۳: ۷۴.

۲- محاسن: ۱۴۹ و ۶۳۹؛ بحار ۶۸: ۱۱۹/ ح ۴۸.

۳- تیسیر الوصول/ ابن ربیع ۳: ۱۶۸.

اصحابیم (از رسیدن به من مانع شده اند)، پاسخ گفته می شود: تو نمی دانی پس از مرگ تو آنها چه کرده اند، پس مانع آمدن آنها و نجات آنها می گردند.

یعنی اگر فرد، از اصحاب پیامبر نیز باشد و به راه پیامبر جان فشانی کرده باشد، اگر پیرو ولایت نباشد نجات نخواهد یافت.

پس رمز نجات اهل بهشت، ولایت اهل بیت و سر شقاوت اهل جهنم، انکار ولایت اهل بیت است، که امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه:

(فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْتَأْذَنُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ) (۱)

در روز قیامت، از گناهان (برخی) انسانها و جن ها پرسش نخواهد شد (مورد شفاعت قرار می گیرند).

فرمودند:

«والله لا يرى منكم في النار اثنان، لا والله، ولا واحد».

به خدا قسم از شما شیعیان (۲) در جهنم دو نفر حتی یک نفر هم دیده نمی شود. (۳)

و نیز فرمودند:

«أما والله ما هلك من كان قبلكم وما هلك من هلك حتى يقوم قائمنا إلا في ترك ولایتنا وجود حقنا».

ص: ۴۳

۱- سوره الرحمن: ۳۹.

۲- ناگفته نماند نجات پیروان اهل بیت از عذاب الهی، به معنای انکار مواعید الهی در عذاب گناهکاران نیست، بلکه پس از اینکه گناه شیعه را به بلایای دنیا یا سختی مرگ و عذاب قبر و دیگر عرصات عالم آخرت پاک کردند، به شفاعت اهل بیت نجات می یابد رجوع کنید به فصل ۱۴ همین نوشتار.

۳- بحار ۶۸: ۱۴۴/ح ۹۱.

به خدا قسم علت هلاکت اقوام قبل از شما واقوام بعد، تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، چیزی جز ترک ولایت ما وانکار حق امامت و خلافت ما نیست. (۱)

بنابراین، راه نجات ما که در عصر غیبت حضرت مهدی علیه السلام قرار گرفته ایم، نیز چیزی جز پناه بردن به ولایت و محبت و انتظار ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست. از این روست که در زیارت آن حضرت، خطاب به آن بزرگوار عرض می کنیم:

«أشهد أنّ بولایتک تُقبل الأعمال وتزکی الأفعال وتضاعف الحسنات وتمحی السيئات، فمن جاء بولایتک واعترف بإمامتک، قبلت أعماله وصدق أقواله وتضاعفت حسناته ومحیت سيئاته، ومن عدل عن ولایتک وجهل معرفتک واستبدل بک غیرک کبه الله علی منخره فی النار ولم يقبل له عملاً ولم یقم له یوم القیامه وزناً»

گواهی می دهم که به ولایت تو (ای امام زمان)، (خدا) اعمال را پذیرفته، افعال را پاکیزه کرده، حسنات را دو برابر نموده، گناهان را پاک می کند. پس کسی که معتقد به ولایت تو باشد و به امامت تو اعتراف کند، اعمالش پذیرفته شده، گفتارهایش تصدیق شده، حسناتش دو برابر و گناهانش محو خواهد شد و آن کس که از ولایت تو سر باز زند و معرفت تو را جاهل باشد و به جای تو دیگری را به امامت بپذیرد، خداوند او را به صورت در آتش پرتاب می کند و عمل او را نمی پذیرد، برای سنجش اعمال او میزانی اقامه نمی کند.

ص: ۴۴

## ۹. شرط لازم برای مغفرت حق

یکی از جلوه های رحمت بیکرانه خدای متعال، مغفرت او است. از اسماء او غفور، غفار، تواب، غافر الذنب و خیر الغافرین است که خداوند صد و ده بار در قرآن به این اوصاف، توصیف گردیده است. ولی برخورداری از مغفرت خداوند متعال، شرائطی دارد که مهمترین آنها شرط ایمان است.

(يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ).

ای قوم ما، دعوت پیامبر را اجابت کرده، به او ایمان آورید تا خداوند، گناهان شما را ببخشد و شما را از عذاب دردناک پناه دهد. (۱)

بدین جهت کسانی که از ایمان بهره ندارند، از این رحمت واسعه الهی بی بهره اند، حتی در صورت شفاعت اولیاء خدا، آنان، مورد فضل و مغفرت حق قرار نمی گیرند.

«اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ».

ص: ۴۵



ای پیامبر، اگر برای آنان طلب مغفرت نمایی یا اینکه این کار را نکنی، حتی اگر هفتاد بار هم برای آنها استغفار کنی، خدا هرگز آنان را نمی‌آمزد، زیرا آنان به خدا و پیامبرش کافرند. (۱)

در فصل دوم نیز بیان کردیم که از شرایط لازم ایمان، اعتقاد به ولایت دوازده امام و محبت آنان و بیزاری از دشمنان آنان است. لذا کسی که از نعمت ولایت اهل بیت و معرفت امام زمان علیه السلام برخوردار نیست، از رحمت حق در عالم آخرت و شفاعت اولیاء خدا بی بهره خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه:

(وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى).

بدرستی که من بسیار آمرزنده ام کسی را که توبه کند، ایمان داشته باشد و عمل نیکو انجام دهد آن گاه به هدایت رهنمود گردد. (۲)

فرمودند:

آیا ندیدی که خداوند چگونه (مغفرت خویش را به ولایت ما) مشروط کرده است؟ زیرا توبه و ایمان و عمل صالح سودی ندارند، مگر اینکه فرد هدایت شود. بخدا قسم اگر فرد، در راه بندگی تلاش فراوان نیز کند، اعمال او پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه هدایت شده باشد.

راوی گوید: عرض کردم: قربانت شوم، بسوی چه کسی هدایت شده باشد؟

فرمودند: بسوی ما. (۳)

ص: ۴۶

---

۱- سوره توبه: ۸۰.

۲- سوره طه: ۸۲.

۳- تفسیر قمی: ۴۲۰؛ وسائل الشیعه ۱: ۹۶/ح ۱۹.

بدین روی برای رحمت حق و مغفرت او و شفاعت اولیائش در مواقع سهمگین عالم آخرت، راهی جز ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و در زمان ما، محبت و معرفت امام زمان علیه السلام و انتظار ظهور آن حضرت وجود ندارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«حُبِّي وَحِبِّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالَهُنَّ عَظِيمَةٌ: عِنْدَ الْوَفَاءِ، وَفِي الْقَبْرِ، وَعِنْدَ النُّشُورِ، وَعِنْدَ الْكِتَابِ، وَعِنْدَ الْحِسَابِ، وَعِنْدَ الْمِيزَانِ، وَعِنْدَ الصِّرَاطِ». حُبُّ مَنْ وَاهَلَ بَيْتَ مَنْ دَرِ هَفْتِ جَايْغَاهِ كِه بَشَدَتِ هِرَاسِنَاك مِي بَاشَنَد، سَوَدَمَنَد اَسْت:

در لحظه مرگ و در داخل قبر و در حشر و نشر و بهنگام (دادن) نامه اعمال و در زمان محاسبه اعمال و در موقف سنجش اعمال و در (گذر) از پل صراط. (۱) این مطلب، فقط در آثار ما شیعیان نیامده، کتب اهل سنت نیز بدان اقرار دارند. در روایتی که آنان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند، آمده است:

«مَعْرِفَةُ آلِ مُحَمَّدٍ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَحِبُّ آلِ مُحَمَّدٍ جَوَازٌ عَلَى الصِّرَاطِ، وَالْوَلَايَةُ لِآلِ مُحَمَّدٍ أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ».

معرفت آل محمد شرط دوری از آتش جهنم است و دوستی آل محمد لازمه عبور از صراط است و ولایت آل محمد باعث محفوظ بودن از عذاب الهی است. (۲)

محبت اهل بیت علیهم السلام آن چنان رحمت الهی را بر انسان سرازیر می کند که حتی اگر غیر مسلمانی یافت شود که محب اهل بیت باشد، گر چه به علت عدم ایمان به دیگر مبانی دین، راهی به بهشت برین الهی ندارد، ولی با

ص: ۴۷

---

۱- خصال ۲: ۱۲؛ بحار ۲۷: ۱۵۸/ ح ۳.

۲- الغدير ۲: ۳۲۴، به نقل از الصواعق المحرقة / ابن حجر: ۱۳۹.

محبت اهل بیت ، از عذاب الهی در جهنم مصون خواهد ماند.

ابن عباس گوید: مردی یهودی بشدت به حضرت علی علیه السلام علاقه داشت، ولی قبل از اینکه مسلمان شود مرد. بعد از مرگ او، خدای بزرگ فرمود:

اما او را از بهشت من بهره ای نیست، ولی ای آتش او را بی قرار مکن. (۱)

ولی دنیا، دار حجاب است و بسیاری از این حقائق بر حواس ما پوشیده است. حقیقت اینست که ما در لحظه چشم بستن از دنیا و چشم گشودن به حقائق عالم آخرت است که بزرگی نعمت ولایت و اهمیت آن را در می یابیم. امام صادق علیه السلام پس از آنکه لازمه ایمان را معرفت امام زمان علیه السلام معرفی کردند، به بیان آثار اخروی این معرفت پرداخته، فرمودند:

«وأحوج ما یکون أحدکم إلی معرفته إذا بلغت نفسه هیئنا - وأهوی بیده إلی صدره».

در لحظه مرگ آن هنگام که جان شما به سینه برسد، بیش از هر زمان دیگر به معرفت امام نیازمندید. (۲)

پس چه بهتر که تا نفس باقی است، در مسیر ولایت اهل بیت بکوشیم و با امام زمان علیه السلام آشنا شویم. و شیرینی محبت آن بزرگوار و پدران گرامش را در قلب خویش احساس نماییم تا شاید مورد لطف و رحمت و مغفرت حق قرار گیریم.

ص: ۴۸

---

۱- بحار ۳۹: ۲۵۸.

۲- کافی ۲: ۲۱/ ۹.

## ۱۰. هدایت الهی

در منطق قرآن، حیات وزندگی، در آثار ظاهری آن از قبیل تنفس و حرکت و... نیست، بلکه در نور ایمان و شناخت خدا و پیامبر و اعتقاد به معاد و دین می باشد. به همین دلیل قرآن کریم، منکرین حقائق دینی را مرده و ناشنوا و ساکنان ظلمت قلمداد می نماید و می فرماید:

(وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ \* وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ \* وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحَرُورُ \* وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ).

نه کور و بینا مساوی اند و نه تاریکیها با نور، و نه سایه و گرما و نه زندگان با مردگان، بدرستی که خداوند هر که را بخواهد شنوا می کند ولی تو نمی توانی ساکنان قبرها را شنوا کنی. (۱)

بدین جهت، فرزند مومنی که به تقدیر خدا از خانواده ای کافر متولد شده است، مصداق: (يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ) (۲)

ص: ۴۹

---

۱- سوره فاطر: ۱۹ - ۲۲.

۲- سوره روم: ۱۹.

است. یعنی او زنده ای است که از مرده یعنی از کافر و بی دین بیرون آمده است. (۱)

لذا است که در روایات اهل بیت علیهم السلام، حیات حقیقی زمین، در ظهور امام زمان حضرت مهدی علیه السلام و گسترش حکومت آن حضرت بر سر تا سر زمین قلمداد شده است.

قرآن کریم می فرماید:

(اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا).

بدانید که خداوند زمین را بعد از مرگش زنده خواهد گردانید. (۲)

امام باقر علیه السلام درباره آیه فوق فرموده اند:

(يحييها الله عزَّ وجلَّ بالقائم عليه السلام بعد موتها، بموتها: كفر أهلها والكافر ميت).

خدای بزرگ، زمین را بعد از مرگش به حضرت مهدی علیه السلام زنده می دارد. مرگ زمین، کفر ساکنان آن بوده و کافر مرده است. (۳)

با توجه به آنچه در فصول گذشته آمد، تنها کسانی که به هدایت الهی، خلفاء رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را شناخته، پیرو آن بزرگواران می باشند، از نظر قرآن حیات داشته، منحرفین از طریق ولایت به مردگان می مانند، زیرا قرآن کریم می فرماید:

(أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا).

آیا کسی که مرده بود و ما او را زنده گردانیدیم و برای او نوری

ص: ۵۰

---

۱- تفسیر المیزان ۱۶: ۱۶۲ / طبع بیروت.

۲- سوره حدید: ۱۷.

۳- کمال الدین: ۶۶۸ / ح ۱۳.

قرار دادیم که با آن نور در میان مردم حرکت می کند، مانند کسی است که در تاریکی ها بوده از آن خارج نمی گردد؟ (۱)

و حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمودند:

«المیت الذی لا یعرف هذا الشأن».

مرده کسی است که به خلافت اهل بیت معتقد نیست. (۲)

بنابراین، نوری که خداوند به وسیله آن، مردگان را زنده می گرداند، امامت امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام و دیگر فرزندان مطهر آن حضرت می باشد. (۳)

پس ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم زنده کننده انسان بوده، انسان را از مرگ حقیقی نجات می بخشد.

امام صادق علیه السلام منظور از حیات در آیه شریفه زیر را ولایت معرفی نمودند:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ. (۴)

بنابراین، معنای آیه بنابر تفسیر آن حضرت اینگونه خواهد بود:

ای افراد مومن، سخن خدا و رسول را اجابت کنید آن زمان که پیامبر شما را به سوی ولایت علی بن ابی طالب که با آن زنده خواهید شد، می خواند. (۵)

ص: ۵۱

---

۱- سوره انعام: ۱۲۲.

۲- سوره انعام: ۱۲۲.

۳- همان مدرک.

۴- سوره انفال: ۲۵.

۵- تفسیر صافی ۱: ۶۵۵.

بدین جهت آن کسانی که از این دعوت پیامبر، یعنی امر او به تبعیت از ولایت و امامت حضرت امیرالمومنین علیه السلام اطاعت ننموده، به ولایت اهل بیت پشت کردند، از نور هدایتی که با قبول توحید و نبوت، تا قبل از این بر حیات آنان سیطره داشت بیرون رفته، در ظلمات گمراهی غرق شده، همراه با رهبران طاغوتی خویش در عذاب الهی جایگیر خواهند شد.

سند ما روایت ارجمندی است که در ذیل آیه زیر نقل گردیده است. خدای متعال می فرماید:

(اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ).

خدا سرپرست افراد با ایمان بوده آنان را از تاریکیها به سوی نور هدایت می کند. و کسانی که کافرند، تحت سرپرستی طغیانگرها هستند که این رهبران طاغوتی، آنان را از نور به سوی تاریکی بیرون می برند. اینان اصحاب آتشند که در آن جاودانه خواهند بود. (۱)

هنگامی که «عبدالله بن ابی یعفور» در محضر امام صادق علیه السلام از حسن اخلاقی برخی مخالفین ولایت، و کج رفتاری پیروان اهل بیت ابراز شگفتی نمود، امام صادق علیه السلام غضبناک شده، با سخنان زیر، دید ظاهر بین او را اصلاح نموده، معیار درست ارزیابی را ابراز فرمودند:

«کسی که با پیروی از رهبری پیشوایی ظالم که خدا او را منصوب ننموده، خدا را بندگی کند، دین ندارد، و بر آن کس که به ولایت امام عادل که از طرف خدا می باشد معتقد است، سرزنشی نخواهد بود.»

ص: ۵۲

یعنی قبل از اینکه به رفتار این دو گروه بنگری، باید عقیده آنها را بسنجی و ملاک و معیار اصلی، اعتقاد درست بوده، در مرحله بعد، عمل قرار دارد. آنگاه امام علیه السلام، در توضیح مطلب فوق، به آیه شریفه استناد نموده، فرمودند:

خدا سرپرست افراد با ایمان بوده، آنها را از تاریکیها به سوی نور هدایت می کند. یعنی آنان را از تاریکی گناهان به سوی نور توبه و مغفرت رهنمایی می کند زیرا آنان پیرو ولایت پیشوایان عادل هستند که خدا آنان را منصوب فرموده است.

سپس سخن را به قسمت دیگر آیه معطوف داشته، اینگونه دنبال کردند: و کسانی که کافرنند تحت سرپرستی طغیانگر هستند که این رهبران طاغوتی آنان را از نور به سوی تاریکی ها بیرون می برند. زیرا آنان، بر نور اسلام بودند، ولی هنگامی که از ولایت پیشوایان ظالمی که از جانب خدای بزرگ نبودند پیروی نمودند، با این اعتقاد، از نور اسلام به سوی تاریکی کفر بیرون رفتند، پس خداوند، آتش جهنم را همراه با کفار بر آنان واجب ساخت، «پس آنان اصحاب آتشند که در آن جاودانه خواهند بود.» (۱)

پس اگر ما طالب حیات واقعی و هدایت الهی هستیم، در زمان حاضر، راهی جز توسل به ذیل ولایت امام زمان علیه السلام و معرفت آن حضرت و پیوند قلبی با آن حضرت ندارد. زیرا قرآن دستور می دهد:

(فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ).

ص: ۵۳

---

۱- کافی ۱: ۳۷۵ و ۳۷۶ ح ۳؛ الغیبه نعمانی: ۱۳۲ و ۱۳۳ ح ۱۴.



پس بخدا و پیامبرش و به نوری که نازل کردیم ایمان آورید که خدا به آنچه شما انجام می دهید، آگاه است. (۱)

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه فوق، منظور از عبارت نوری که نازل کردیم، را نور ائمه علیهم السلام در همه اعصار دانسته اند. (۲)

پس آن نور الهی که مردم این زمان مأمور به ایمان به او هستند و در پی اعتقاد به او، هدایت یافته و زنده خواهند شد، امام زمان حضرت مهدی علیه السلام می باشد.

ص: ۵۴

---

۱- سوره تغابن: ۸.

۲- کافی ۱: ۱۹۴/ح ۱.

## ۱۱. برترین نعمت خداوند

خداوند متعال نعمتهای فراوانی به بشر ارزانی داشته است که قابل شمارش نیست.

(وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا). (۱)

اگر نعمتهای خدا را بشمارید، به عدد در نمی آید.

از میان این نعمتهای بی شمار، برخی نعم مادی و دنیوی است که خداوند به اقتضای رحمانیت خویش به مومن و کافر عطا فرموده، و برخی دیگر نعمتهای معنوی و اخروی هستند که راهنمای انسان بسوی سعادت ابدی می باشند. خداوند این نعمتها را به اقتضای رحیمیت خویش، صرف به مومنان عطا فرموده است. از برترین این نعمتهای معنوی، نعمت ولایت و اطاعت و محبت اهل بیت علیهم السلام است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا لِمَنْ يَحِبُّهُ وَيَبْغِضُ وَلَا يُعْطِي هَذَا الْأَمْرَ إِلَّا أَهْلَ صِفْوَتِهِ». (۲)

خداوند نعمتهای دنیا را به مومن و کافر می دهد، ولی نعمت ولایت

ص: ۵۵

---

۱- سوره ابراهیم: ۳۴؛ سوره نحل: ۱۸.

۲- بحار ۲۷: ۱۲۲/ح ۱۰۷.

را جز به برگزیدگان از مخلوقاتش عطا نمی کند.

این نعمت، خیر دنیا و آخرت است زیرا که راه صحیح زیستن در دنیا را به انسان آموخته، دستگیر انسان در عرصات سهمگین عالم آخرت خواهد بود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

«من رزقه الله حبَّ الأئمة من أهل بیتی فقد أصاب خیر الدنیا والآخرة». کسی که خداوند حب اهل بیت را به او اعطا کرد باشد، خیر دنیا و آخرت به او رسیده است. (۱)

این محبت، از جواهرات دنیوی بسیار گرامی تر و ارزشمندتر است، (۲) زیرا که تنها وسیله رسیدن به قرب حق متعال بوده، خیر کثیر، می باشد.

امام صادق علیه السلام لفظ حکمت در آیه شریفه (وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا) (۳) را به اطاعت از دستورات الهی و معرفت امام معنا فرموده اند (۴) که بر این اساس، مفهوم آیه چنین خواهد بود:

کسی را که طاعت خدا و معرفت امام زمان عطا کرده باشند، به او خیر زیادی رسیده است.

معرفت امام زمان و ولایت اهل بیت علیهم السلام برترین نعمتهای الهی است و در میان نعمتهای الهی نعمتی برتر از آن یافت نمی شود.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه:

ص: ۵۶

---

۱- خصال ۲: ۹۹، در زیارت عاشورا نیز، از تولی و تبری تعبیر به رزق شده است: (فأَسأل الله الذی أکرمني بمعرفتکم و معرفه أولیائکم و رزقنی البراءة من أعدائکم...).

۲- بحار ۳۶: ۱۳۶/ ح ۹۳.

۳- سوره بقره: ۲۷۳.

۴- کافی ۱: ۱۸۵/ ح ۱۱؛ محاسن: ۱۴۸/ ح ۶۰.

(فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ).

نعمتهای خدا را یاد کنید شاید که رستگار گردید. (۱)

فرمودند:

«هی أعظم نعم الله علی خلقه وهو ولايتنا».

منظور از آلاء خدا برترین نعمتهای خداوند بر آفریدگان می باشند که همان ولایت ما است. (۲)

نعمت ولایت همان نعمتی است که خداوند آن را در روز غدیر بر همه مسلمانها به حد اتمام رسانید و فرمود:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا). (۳)

امروز دین شما را (به ولایت علی بن ابی طالب) کامل کرده، نعمت را (به معرفی ولایت او) بر شما به اتمام رسانیدم و به این اسلام به عنوان دین برای شما خشنود گشتم.

این همان نعمتی است که روز قیامت مورد پرسش قرار خواهد گرفت. خداوند متعال می فرماید:

(ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ). (۴)

آنگاه در آن روز از آن نعمت حتما پرسش خواهند شد.

امام صادق علیه السلام درباره آیه فوق فرمودند:

«والله ما هو الطعام والشراب ولكن ولايتنا أهل البيت».

ص: ۵۷

---

۱- سوره اعراف: ۶۹.

۲- بصائر الدرجات: ۸۱.

۳- سوره مائده: ۳.

۴- سوره تکوین: ۸.

به خدا قسم نعمت مورد پرشش، غذا و نوشیدنیها نیستند. بلکه ولایت ما اهل بیت است که مورد پرشش قرار می گیرد. (۱)

این مطلب در روایات اهل سنت نیز نقل شده است، محدث بزرگ اهل سنت - جلال الدین سیوطی - در این زمینه از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل نموده است که فرمودند:

«لا- یزول قدما عبد یوم القیامه حتّٰی یُسئل عن أربع: عن عمره فیما أفناه، وعن جسده فیما أبلاه، وعن ماله فیما أنفقه ومن أين اکتسبه، وعن حبنا أهل البیت».

گامهای فرد در روز قیامت حرکت نمی کند تا اینکه از چهار چیز از او پرسش شود: از عمرش که آن را در هیچ راهی مصرف کرده، از بدنش که آن را در چه راهی به زحمت انداخته، از مالش که آن را چگونه خرج و از کجا کسب کرده، و از محبت ما اهل بیت. (۲)

حال که ولایت و اعتقاد به اهل بیت و محبت آنها و پیوند با آنان، برترین نعمتی است که خدا به ما عطا کرده است، در مواقع دعا و در مظان استجاب، این نعمت عظیم را باید از خدا تقاضا کرد، چرا که این گوهر الهی را به هر کسی عطا نکرده و در هر مکانی قرار نداده اند، پس باید دست استغاثه به درگاه حق بلند کرد و از او تقاضا نمود که:

«اللّٰهُمَّ ولا تسلبنا یقین ل طول الأمد فی غیبتہ وانقطاع خبره عَنّا ولا تنسنا ذکره وانتظاره والإیمان به وقوّه یقین فی ظهوره والدعاء له والصلاه علیه...»

خدایا در طول زمان غیبت و بی خبری ما از امامان، یقین را از ما

ص: ۵۸

۱- تفسیر برهان ۴: ۵۰۲/ح ۶.

۲- إحياء المیت / سیوطی: ۱۱۵.

سلب مکن، ویاد وانتظار او وایمان به او واعتقاد راسخ به ظهور او وتوفیق دعا وصلوات برای او را از ما مگیر. (۱)

ص: ۵۹

---

۱- مفاتیح/ دعاء ایام غیبت، منقول از جناب عثمان بن سعید عمروی - نائب اول امام زمان علیه السلام).

## ۱۲. در معرفت امام زمان

همانطور که اعتقاد به توحید و نبوت و معاد، بدون ایمان به ولایت امیر المومنین علیه السلام و برائت از غاصبین حق خلافت ارزشی ندارد، و به همانگونه که نماز و حج و دیگر عبادات، بدون ولایت اهل بیت علیهم السلام پیشیزی نمی‌ارزد، همه این اعتقادات و عبادات اگر انجام شود و انسان به ولایت اهل بیت نیز ایمان داشته باشد ولی امام زمان خویش را نشناسد، از هیچ یک از معتقدات خود، حتی از ولایت ائمه قبل نیز بهره مند نخواهد گردید.

بهترین سند بر ادعای فوق، روایت مشهوری است که اهل سنت و شیعه آن را نقل نموده و بر آن اعتماد کرده‌اند و آن اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

«من مات ولم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة».<sup>(۱)</sup>

ص: ۶۰

---

۱- این روایت را احمد حنبل در ۳ موضع از کتاب مسند جلد ۴: ۹۶، و ۳: ۴۴۶، و ۲: ۸۳؛ بخاری در صحیح ۵: ۱۳؛ مسلم در صحیح: رقم ۱۸۴۹، ابو داود در مسند: ۲۵۹ نقل نموده، بیش از بیست کتاب دیگر از کتب اهل سنت آن را نقل کرده‌اند. در کتب شیعه مرحوم علامه مجلسی این روایات را در بحار الانوار، جلد ۲۳/ باب ۴ طی چهار حدیث گوناگون جمع کرده است.

کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

منظور از جاهلیت در این روایت، ایام کفر و ضلالت قبل از اسلام است.

بنابراین معنای حدیث چنین خواهد شد: اگر مسلمانی - یعنی کسی که توحید و نبوت و قرآن و قیامت و دیگر مبانی دین را پذیرفته و به واجبات دین اهتمام نموده است - بمیرد و امام معصوم زمان خویش را نشناخته باشد، او نامسلمان مرده، دین او همان کفر و ضلالت کفار و مشرکین قبل از اسلام تلقی خواهد شد و از اسلام، توحید، نبوت، تقوی و عبادت خود نفعی نخواهد برد.

لفظ جاهلیت، در این نقل از حدیث، توصیف روشن تری یافته است. راوی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند:

من مات ولا يعرف إمامه مات ميتة جاهلیة؟

کسی که بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟

فرمودند: آری، عرض کردم: این جاهلیت به معنی جاهلیت ایام نادانی قبل از اسلام است، یا منظور جاهلیت عدم آشنایی با امام می باشد؟ یعنی آیا جاهلیت چنین کسی در همه زمینه ها و مطلق بوده و یا در محدوده خاص امامت بوده، به دیگر محدوده های دین لطمه نمی زند؟

امام فرمودند:

«جاهلیة کفر و نفاق و ضلال» (۱)

جاهلیت او از سنخ جاهلیت کفار، منافقین و گمراهان است.

یعنی جاهلیت مطلق بوده، گمراهی از امامت مساوی با گمراهی در

ص: ۶۱



پس علاوه بر معرفت اصل ولایت و شناخت حق اهل بیت علیهم السلام، ما موظف به معرفت و اطاعت و تسلیم در برابر امام زمانمان علیه السلام نیز هستیم و معرفت ولایت، ما را بی نیاز از معرفت آن حضرت نخواهد کرد.

محمد بن تمام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فلان کس از دوستان شما اهل بیت است... ولی او به ولایت امیر المومنین علیه السلام ایمان داشته، اوصیاء آن حضرت را نمی شناسد. امام فرمودند: او گمراه است، او مانند کسی است که به نبوت عیسی اقرار کرده نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم را انکار کند یا نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را پذیرفته و نبوت عیسی را انکار نماید. ما بخدا پناه می بریم از کسی که حجتی از حجج الهی را انکار نماید. (۲)

ص: ۶۲

۱- علامه امینی رضوان الله علیه صاحب کتاب گرانسنگ الغدیر می فرمودند: در سفری به سوریه، دانشمندان آن دیار، به دیدار من آمدند، در مجلسی از بزرگان اهل سنت آن منطقه، یکی از آنان به من رو کرده گفت: آیا در اسلام جز ولایت و امامت، اصلی دیگر وجود ندارد که تو فقط درباره ولایت و غدیر و مفاهیم مربوطه می نویسی؟! آیا اسلام، توحید ندارد، نبوت و قرآن و اخلاق و احکام ندارد؟ من هر چه فکر کردم که به این فرد سنی در مجمعی از اهل سنت چه جوابی بدهم که دندان شکن باشد، چیزی به ذهنم نیامد. قلبا به حضرت امیر المومنین علیه السلام متوسل شدم که: من در این جمع زبان شما اهل بیت هستم. مرا یاری دهید تا بتوانم از منطق شما دفاع کنم. به عنایت مولا به ذهنم رسید که به این حدیث شریف استناد کنم، لذا روایت: (من مات ولم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة) را خوانده، مدارک آن را بیان کرده معنای آن را توضیح دادم و گفتم: این کار را فقط از ولایت می گویم و می نویسم، سلیقه من نیست، بلکه فرمایش رسول خدا در این حدیث است که کسی که ولایت ندارد، از توحید و نبوت و معاد و قرآن و احکام بهره ای نمی برد. و آنها هم ساکت شدند.

۲- بحار ۲۳: ۹۷ و ۹۸/ ح ۵.

فرد دیگری نیز از امام صادق علیه السلام می پرسد: کسی که به ائمه قبل معرفت داشته، فقط امام زمان خویش را نمی شناسد، آیا چنین کسی مومن است؟ فرمودند: خیر. (۱)

راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: فردی است که به ولایت شما قائل بوده از دشمن شما بیزار است، حلال و حرام شما را مراعات می کند و معتقد است که امامت با شما خاندان است و به خاندان دیگری تعلق ندارد، ولی می گوید: در اینکه کدامیک از افراد این خاندان امام هستند، امری اختلافی است و اگر آنها بزودی اجتماع کرده او را امام بنامند، من نیز به امامت او معتقد خواهم بود! وضعیت او چگونه است؟ امام صادق علیه السلام فرمودند:

اگر بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است. (۲)

نکته این بحث در این است که بنا بر روایات، انکار یکی از ائمه در حکم انکار جمیع آنها و در حکم انکار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بوده. چنین کسی قطعاً گمراه و منحرف خواهد بود. (۳)

شاعر بزرگ اهل بیت «سید حمیری» (م ۱۷۳) که شیعه بوده ولی از پیروان کیسانیه بود، یعنی بعد از حضرت امام حسین علیه السلام به امامت برادر آن حضرت محمد حنفیه معتقد بود، با وجود همه اشعاری که در حق اهل بیت داشت و مبارزه ادبی که با دشمنان آنان می نمود خبر دار شد که امام صادق علیه السلام او را کافر نامیده اند.

نزد آن حضرت آمده عرض کرد: آیا من، با همه محبتی که با شما داشته،

ص: ۶۳

---

۱- کمال الدین: ۴۱۰ / باب ۳۹ / ح ۳.

۲- الغیبه نعمانی: ۱۳۳ تا ۱۳۵ / ح ۱۶ و ۱۷ و ۱۹.

۳- بحار ۲۳: ۹۵ تا ۹۸ / باب ۵ (من أنکر واحداً منهم قد أنکر الجميع) کسی که یکی از ائمه را انکار کند همه آنها را انکار کرده است.

با دشمنان شما مخالفت می‌نمایم. آیا منهم کافر؟

امام فرمودند:

«وما ينفعك ذاك وأنت كافر بحجّه الدهر و الزمان».

در حالی که تو به امام زمانت ایمان نداری، اعتقادات به ولایت ائمه قبل و محبت تو به ما و دشمنی با دشمنان، برای تو سودی نخواهد داشت.

آنگاه حضرت او را به سر قبر ابن حنفیه بردند، ابن حنفیه زنده شد به امامت امام صادق علیه السلام اعتراف کرد و سید حمیری از اعتقاد سابق خود دست برداشته اثنا عشری گردید. و «قصیده رائیه» خود را سرود. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

(من أقرّ بالأئمّه من آبائی و ولدی و جحد المهدی من ولدی کان کمن أقرّ بجميع الأنبياء و جحد محمّداً صلى الله عليه وآله وسلم). (۲)

کسی که به امامت پدران من اقرار نموده، امامت فرزندان (معصوم) مرا نیز بپذیرد، ولی مهدی را که از فرزندان من خواهد بود انکار کند، مانند کسی است که نبوت جمیع انبیاء را پذیرفته، نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را انکار نماید.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز فرمودند:

(من أنکر القائم من ولدی فی زمان غیبه، فمات. فقد مات میتة جاهلیه).

کسی که در ایام غیبت مهدی از فرزندان من، او را انکار نماید و بمیرد، به مرگ جاهلیت (یعنی غیر مسلمان و کافر و گمراه) از دنیا

ص: ۶۴

۱- بحار ۴۷: ۳۲۰/ ح ۱۱.

۲- کمال الدین: ۴۱۱/ ح ۵ و ۶.

رفته است. (۱)

پس در عصر ما شناخت امام زمان حضرت مهدی علیه السلام از لوازم ایمان و سعادت اخروی انسان و قبول اعمال او است. این اعتقاد است که او را از معرف دیگر ائمه و دیگر مبانی دینی، بهره مند می سازد.

ص: ۶۵

---

۱- کمال الدین: ۴۱۳/ ح ۱۲.

پیروان ولایت اهل بیت علیهم السلام ومنتظران ظهور امام زمان علیه السلام از مقامی بلند در نزد خداوند متعال برخوردارند.

گر چه لازمه تشیع و محبت، پیروی از دستورات پیشوایان است، ولی بلندی مرتبه پیروان اهل بیت علیهم السلام از جهت اعمال نیک و رفتار پسندیده آنان نیست، تقرب آنها در نزد خداوند متعال، ابتداء به جهت پیروی آنان از امامی است که خدای سبحان برگزیده و به اطاعت او امر کرده است. حق تعالی از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید:

(فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي).

پس هر کس پیرو من باشد، او از من است. (۱)

حضرت باقر علیه السلام در ذیل آیه فوق فرمودند:

«من أَحَبَّنَا فَهُوَ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ».

هر کس که ما را دوست بدارد، از ما اهل بیت می باشد.

راوی از این مقام بلند (از اهل بیت بودن) برای دوستداران اهل بیت شگفت زده شد، امام برای روشن ساختن او به آیه فوق استناد نموده،

ص: ۶۶

فرمودند: پس هر کس پیرو من باشد، او از من است. (۱)

پس حشر معنوی، ملکوتی و اخروی هر کس با امامی است که از او در دنیا پیروی نموده است. لذا است که پیرو اهل بیت در نزد خدا و در عالم آخرت و در بهشت برین الهی در جایگاه رفیع اهل بیت علیهم السلام جای داشته، علت این مقام بلند، حشر دنیوی او با آن ذوات مقدسه است.

خدای متعال می فرماید:

(وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا).

آن کس که از خدا و رسول پیروی کند، پس آنان همراه کسانی که خدا به آنان نعمت عطا کرده است، یعنی با انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین خواهند بود و چه نیکو همراهانی هستند! (۲)

به فرموده حضرت رضا علیه السلام، شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام مصداق آیه فوق بوده، همنشین انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین خواهند بود. (۳)

دوستان اهل بیت علیهم السلام با پیروی از پیشوایان الهی در حزب خدا وارد گشته، مصداقی از این آیه شریفه هستند:

(وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ).

و آن کس که ولایت خدا و رسول، و ولایت مومنین (ائمه علیهم السلام) را

ص: ۶۷

---

۱- تفسیر عیاشی ۲: ۲۳۱/ح ۳۲.

۲- سوره نساء: ۶۹.

۳- تفسیر عیاشی ۱: ۲۵۶/ح ۱۸۹.

بپذیرد، پس بدرستی که حزب الهی پیروزند. (۱)

آنان با پیروی از ائمه معصومین علیهم السلام، در زمره بهترین خلق خدا قرار می گیرند، زیرا خدای متعال می فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ).

کسانی که ایمان آورده اعمال نیکو انجام دهند، بهترین مخلوقات خدایند. (۲)

دانشمند بزرگ اهل سنت، سیوطی، با نقل روایات متعدد، مصداق این آیه را امیر المومنین علیه السلام و پیروان آن حضرت قلمداد نموده است. (۳)

دوستداران اهل بیت را خدا دوست داشته، آنان آن چنان مقامی در نزد حق متعال دارا هستند که علی بن ابی طالب در نزد رسول خدا دارا است، خدای عز وجل خطاب به رسول خدا فرمود:

(محبوا علی منی حیث علی منک).

دوستداران علی در نزد من همانگونه اند که علی در نزد تو است. (۴)

در روایات بسیاری، مقام دوستداران اهل بیت علیهم السلام در قیامت ورتبه آنان در نزد خداوند، مقام شهیدان راه حق قرار داده شده است. امیر المومنین علیه السلام فرمودند:

«من مات منکم علی فراشه وهو علی معرفه حقّ ربّه وحقّ رسوله وأهل بیته مات شهیداً».

کسی که بر بستر خویش بمیرد وحق پروردگار و پیامبرش آشنا

ص: ۶۸

---

۱- سوره مائده: ۵۶.

۲- سوره بینه: ۸.

۳- تفسیر درّ المنثور/ سیوطی ۶: ۳۷۹.

۴- مئه منقبه: منقبه ۲۰؛ غایه المرام: ۵۸۵/ ح ۷۶.

باشد وحق اهل بیت را بشناسد، شهید از دنیا رفته است. (۱)

مقام آنان آن چنان در نزد خداوند متعال بلند است که: ملائکه آسمان، همانگونه به پیروان اهل بیت علیهم السلام در زمین می نگرند که اهل زمین به ستارگان نظر می کنند. (۲)

لذا است که هر گاه کسی از شیعیان از دنیا رود، فرشتگان به تشییع جنازه او می پردازند، چنانکه در تشییع جنازه رباح - غلام سیاه آل نجار - هفتاد هزار گروه از ملائکه شرکت نمودند. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در توضیح این مرتبه رفیع، فرمودند:

«والله ما نال ذلك إلا بحبك يا علي».

بخدا قسم رباح به این مقام نرسید مگر بخاطر دوستی تو ای علی. (۳)

ولی بلندی مقام پیروان اهل بیت علیهم السلام در قیامت آشکارتر می گردد، زیرا که حقائق در آنجا آشکار می شود.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند:

خدای بزرگ، گروهی را (در قیامت) بر می انگیزد که صورتهای آنان نورانی است و بر جایگاهی از نور قرار گرفته اند و لباسی نوری به تن کرده، در سایه عرش خدا جای گرفته اند. آنان پیامبر نیستند.

ولی منزلتی چون انبیاء دارند. آنان شهید نیستند ولی از مقام شهدا برخوردارند.

ابوبکر پرسید: آیا من از آنان هستم!

ص: ۶۹

---

۱- نهج البلاغه: خطبه ۲۳۲.

۲- عیون اخبار الرضا: ۲/ ۱۲ ح ۲، به نقل حضرت رضا علیه السلام از امام صادق علیه السلام.

۳- بحار: ۳۹: ۲۸۹/ ح ۸۴، به نقل از امام صادق علیه السلام.



فرمودند: خیر.

عمر پرسید: آیا من از آنان هستم!

فرمودند: خیر.

آنگاه عبد الله بن مسعود پرسید: آنان چه کسانی هستند؟ ر

سول خدا، دست مبارک را بر سر حضرت علی علیه السلام قرار داده فرمودند: این مرد و شیعیان او هستند. (۱)

کوتاه سخن آنکه

«هر آیه ای از قرآن که در تمجید اقوامی وارد شده، سخن از ورود آنان به بهشت می گوید، در شان اهل بیت و پیروان آنان نازل گردیده است.» (۲)

از این روی انسان عاقل، با توجه به مطالب فوق ولایت اهل بیت و محبت آنان را خفیف نشمرده، به اهمیت آن قائل است و جز در خانه اهل بیت را نمی گوید و جز به امام زمان علیه السلام مراجعه نمی کند.

زیرا که از هیچ طریق دیگری نمی توان به این مقام نائل آمد. ولی آیا مگر طریق دیگری وجود دارد؟! (۳)

ص: ۷۰

---

۱- امالی شیخ صدوق: ۱۴۷/مجلس ۴۲؛ بحار ۶۸: ۸ و ۹/ح ۳؛ فضائل الشیعه: ۱۱ و ۱۲/ح ۱۱.

۲- کافی ۸: ۳۶/ح ۶، از امام صادق علیه السلام.

۳- مضمون روایتی از امام صادق علیه السلام در بحار ۲۷: ۱۷۵/ح ۳، محبت ما را کوچک نشمارید...

در تکمیل مطالب فشرده قبل، تذکر هشت نکته زیر، لازم بنظر می رسد:

### الف- عمل، لازمه ولایت ودوستی اهل بیت

همان طور که در فصل دوم گفتیم، مومن کسی است که قلباً به خدا ورسول واهل بیت علیهم السلام اعتقاد داشته، به فرامین آنها عمل می کند. ترویج اعتقاد بدون عمل از باورهای نادرست گروه مرجئه بوده، که روایات بسیاری در رد ولعن آنها وارد شده است. زیرا علاوه بر آن که لازمه ایمان، عمل به ارکان است، نشانه محبت راستین و معرف محب صادق، پیروی محب از محبوب خویشتن است. حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

«تعصى الإله وأنت تظهر حبه\*\*\* هذا لعمرک فی الفعال بدیع، لو کان حبک صادقاً لأطعته\*\*\* إنَّ المحبَّ لمن أحبَّ مطیع» (۱)

خدا را عصیان می نمایی و محبت او را اظهار می کنی؟ به دینم قسم که این کار از اعمال شگفت می باشد!

اگر محبت تو راستین می بود، از خدا اطاعت می نمودی زیرا محب مطیع

ص: ۷۱

## ب- وعده و وعید خداوند به محبین

وعده معمولاً در معنای مژده به رحمت خدا و وعید عموماً در مفهوم ترسانیدن از عذاب و غضب خدا بکار می رود. آنچه در فصول گذشته از وعده های الهی گفته شد، اگر چه مشتق از خروار و اندکی از بشمار بیش نبود، ولی هرگز به معنای انکار وعید خداوند متعال در قرآن نیست.

خدای متعال، صادق فی وعده و وعیده (۱) بوده، فرموده های او درباره بهشت و جهنم، رحمت و عذاب، هر دو صحیح و مطابق واقع است. ولی به علت لطفی که خداوند در حق مومنین یعنی پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دارد مجازات گناهان آنان را موقوف به عذاب ابد در جهنم ننموده، وعید خویش درباره گناهان آنان را - اگر آنها را به رحمت خویش نبخشوده باشد - با بلاها و سختی های دنیا، با مرگ سخت و سهمگین، با فشار و عذاب قبر و چه بسا با عذاب موقت او در جهنم اجرا نموده، بدین گونه او را آماده ورود در رحمت جاودان خویش می سازد.

حضرت عسکری علیه السلام فرمودند: مردی همسر خویش را به نزد حضرت فاطمه علیها السلام فرستاد تا از آن حضرت بپرسد: آیا من از شیعیان شما هستم یا خیر؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند به او بگو:

اگر به آنچه، امر کرده و از آنچه نهی نموده ایم عمل می نمایی شیعه ما هستی والا خیر.

زن، پیغام را رسانید و شوهرش ناله سرداد: ای وای بر من، چه کسی است که گناه و اشتباهی نداشته باشد؟ پس من همواره در جهنم خواهم بود،

ص: ۷۲

---

۱- التوحید شیخ صدوق: ۲۳۵/ح ۲، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم.

زیرا هر کس که شیعه آنان نباشد، جاودانه در جهنم بسر خواهد برد.

همسر او به نزد حضرت فاطمه علیه السلام آمد و سخنان شوهرش را عرضه داشت.

آن حضرت فرمودند:

این گونه نیست (که او فهمیده است). شیعیان ما از بهترین افراد بهشت هستند و تمام دوستان ما که دوست دوستان ما بوده با دشمنان ما دشمن باشند و با قلب و زبان تسلیم امر ما گردند، اگر با اوامر و نواهی ما مخالفت کرده، اعمال زشت دیگری نیز مرتکب شوند به بهشت می روند، ولی پس از اینکه با بلا یا مصائب (دنیا) یا شدائد موجود در مراحل قیامت پاک شدند و یا در طبقه بالای جهنم عذاب گردیدند. ما آنان را بعثت محبتی که به ما دارند، از جهنم نجات داده به جوار خود در بهشت انتقال می دهیم. (۱)

امیر المومنین علیه السلام فرمودند:

«فاعلموا وأطيعوا لا تلتکوا ولا تستصغروا عقوبه الله عز وجل فإن من المسرفین من لا تلحقه شفاعتنا إلا بعد عذاب ثلاثائه ألف سنه»

به دستورات خدا عمل کرده و اطاعت کنید و به پشتوانه شفاعت ما گناه نکنید و کیفر خدای بزرگ را کوچک نشمارید، زیرا به برخی از گناهکاران (از شیعه) شفاعت ما نمی رسد مگر بعد از اینکه سیصد هزار سال عذاب شوند. (۲)

لذا ائمه علیهم السلام در روایات متعدد به ما فرموده اند:

ص: ۷۳

---

۱- بحار ۶۸: ۱۵۵/ ح ۱۱.

۲- معانی الأخبار: ۲۸۸/ ح ۲؛ بحار ۶: ۱۵۴/ ح ۹.

با تقوی و عبادت و اطاعت ما را (به شفاعت خود) کمک کنید. (۱)

### ج- نهی از غلو در شأن اهل بیت علیهم السلام

با آن که ما هر چه در وصف اهل بیت علیهم السلام بگوییم، که گفته ایم و اوج مقامات و مدارج آنان برای ما قابل درک و بیان نیست، (۲) ولی در بیان مرتبه آنان، نباید آنان را از حد مخلوق بالاتر برده، به اندیشه‌هایی همچون: اتحاد آنان با خدا و یا حلول خدا در آنان و یا ازلیت وجود آنان و یا استقلال کمالات آنان از خدا گرایید که این گونه اندیشه‌ها، ولایت نبوده، غلو و چه بسا شرک و باعث خروج از اسلام باشد. (۳)

امیر المومنین علیه السلام فرمودند:

«إياكم والغلوّ فينا، قولوا: إنا عبید مربوبون، وقولوا فی فضلنا ما شئتم».

از گزاره گویی درباره ما پرهیز کنید. ما را بنده خدا و تحت سرپرستی او بدانید و (با قید این خصوصیت) در فضائل ما هر چه خواستید بگویید. (۴)

در جای دیگری فرمودند:

«هلک فیّ رجالان: محبّ غال و مبغض قال»

در (اعتقاد به) من دو نفر هلاک و گمراه شدند: کسی که مرا دوست دارد ولی در (مقام) من غلو می کند، و کسی که با من دشمن بوده در

ص: ۷۴

---

۱- تفسیر فرات: ۵۵۱/ح ۷۰۵، از امام صادق علیه السلام.

۲- تعبیر زیارت جامعه از امام هادی علیه السلام: (موالی لا أخصی ثنائکم ولا أبلغ من المدح کنهکم ومن الوصف قدرکم).

۳- عروه الوثقی / مرحوم آیه الله سید کاظم یزدی ۱: ۶۸ / مساله ۲.

۴- خصال ۲: ۶۱۴؛ بحار ۲۵: ۲۷۰ / ح ۱۵.

دشمنی افراط کند. (۱)

### د- شرط ولایت اهل بیت علیهم السلام برائت از دشمنان

بدیهی است، انسان، دوستدار هر کسی که باشد، از دشمنان او فاصله می گیرد والا در محبت او باید تردید کرد. قرآن نیز در آیات متعددی به این اصل، تصریح نموده می فرماید:

(لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ).

کسی را که به خدا و قیامت ایمان دارد نخواهی یافت که با دشمن خدا و پیامبر دوستی نماید. (۲)

لذا، شرط صحت ولایت اهل بیت، دشمنی با کسانی است که غاصب حق خلافت آنان بوده، آنان را آزار داده، به قتل رسانیده، فضائل آنان را انکار کرده اند.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در روایتی در شان حضرت علی علیه السلام که اهل سنت نیز نقل کرده اند، فرمودند:

«لا يقبل الله إيمان عبد إلا بولايته والبرأه من أعدائه».

خداوند ایمان هیچ کسی را نمی پذیرد مگر اینکه او به ولایت حضرت علی معتقد بوده، از دشمنان او بیزار باشد. (۳)

بدین جهت در روایات، آن کس از دوستداران اهل بیت علیهم السلام که با دشمنان اهل بیت دوستی نموده، دوستداران اهل بیت را دشمن بدارد، به «دجال»

ص: ۷۵

---

۱- نهج البلاغه: حکمت ۱۱۳ و ۴۶۱.

۲- سوره مجادله: ۲۳.

۳- المناقب/ خطیب خوارزمی: ۳۲ و ۳۳/ ح ۲.

تشبیه شده، وجود آنان را باعث گمراهی مردم دانسته و فرموده اند:

«إِنَّ مَمَّنْ يَتَّخِذُ أَهْلَ الْبَيْتِ لِمَنْ هُوَ أَشَدُّ فِتْنَةً عَلَى شِيعَتِنَا مِنَ الدَّجَالِ»

از میان کسانی که دوستدار ما اهل بیت هستند کسی است که فتنه او در جمع شیعیان ما از فتنه دجال شدیدتر است.

راوی پرسید: به چه جهت؟ ای پسر رسول خدا؟ فرمودند:

«بِمَوَالَاهُ أَعْدَائِنَا وَمَعَادَاهُ أَوْلِيَانِنَا».

زیرا با دشمنان ما دوستی نموده، دوستان ما را دشمن می دارند. (۱)

در حقیقت، محبت اهل بیت و اقرار به فضائل آن بزرگواران، اختصاصی به فرقه ناجیه، شیعه اثنا عشری نداشته، بسیاری از دانشمندان اهل سنت همچون ابن شعیب نشانی (م ۳۰۳)، ابن مردویه (م ۴۱۰)، ثعلبی (م ۴۲۷)، ابو نعیم (م ۴۳۰)، ابن مغزلی (م ۴۸۳)، حاکم حسکانی (محدود ۴۷)، ابن شیرویه (م ۵۰۹)، خطیب خواندی (م ۵۶۸۰)، ابن عساکر (م ۵۷۳)، گنجی شافعی (م ۶۵۸)، محمد بن طلحه (م ۶۵۲)، سبط ابن جوزی (م ۶۵۴)، محب الدین طبری (م ۶۹۴)، میر سید علی همدانی (م ۷۸۶) و... در این امر با ما مشترکند. آنچه جدا کننده اعتقاد شیعی از آنها می باشد، علاوه بر اعتقاد به خلافت ائمه اهل بیت علیهم السلام، توجه به لزوم تبری در کنار تولی است، که بنا بر مدارک فوق، ولایت بی برائت منشا نجات نخواهد بود.

### ه- تنها محبت اهل بیت علیهم السلام کافی نیست

اگر چه محبت اهل بیت علیهم السلام خود گوهر گرانقدری است، ولی آن کس که از دوستداران اهل بیت بوده، به امامت و خلافت آنان معتقد نباشد (مانند

ص: ۷۶

---

۱- صفات الشیعه: ۵۰/ح ۱۴، از حضرت رضا علیه السلام.

بسیاری از دانشمندان اهل سنت (نجات نیافته، به بهشت برین الهی وارد نمی گردد. لذا در روایت مشهوری که سنی و شیعه، متواترا از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل نموده اند، آن حضرت فرمود:

«مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح من ركبها نجي ومن تخلف عنها هلك».

اهل بيت من در میان شما مانند کشتی حضرت نوح است، هر کس در آن در آید نجات یابد و هر که از آن تخلف ورزد هلاک می شود. (۱)

مثال نقل شده در این روایت که به حدیث سفینه شهرت دارد، بیانگر حقیقت فوق است. زیرا فرزند حضرت نوح علیه السلام با آنکه به پدر علاقمند بود، ولی به علت عدم اطاعت از رهنمود او در عذاب الهی هلاک شد. لذا کسانی که محب اهل بیت علیهم السلام بوده، به مقام خلافت الهی آنان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اقرار ندارند و دیگران را در این مقام بر آنان ترجیح می دهند، مانند فرزند نوح، نجات نمی یابند.

امیرالمومنین علیه السلام در گفتگو با یکی از رهبران یهود، پس از بیان این که ملت یهود به هفتاد و یک فرقه، و مسیحیان به فرقه و مسلمانان به فرقه منشعب خواهند گردید و تنها فرقه ناجیه از میان آنان، پیروان اوصیاء الهی، پس از درگذشت پیامبر آن دین بوده است، فرمودند:

«ثلاث عشرة فرقه من الثلاث والسبعين كلها تنتحل مودّتي وحبّی، واحده منها فی الجنّه واثنتا عشرة منها فی النار».

از هفتاد و سه فرقه مسلمان، سیزده فرقه، مودت و محبت مرا

ص: ۷۷

---

۱- این روایت را دانشمندان شیعه از ۹۲ کتاب اهل سنت سند داده اند. مراجعه کنید به احقاق الحق جلد ۹؛ و خلاصه العباقات جلد ۴؛ والغدير جلد ۲.



پذیرفته اند، ولی فقط یکی از آن سیزده فرقه در بهشت بوده، بقیه دوازده فرقه از محبین در جهنم خواهند بود. (۱)

این دوازده فرقه از محبینی که نجات نیافته، به جهنم در خواهند افتاد، چه گروههایی هستند؟ با مطالبی که در فصول قبل گفته شد برخی از صفات آنان معلوم می گردد:

کسانی که محب اهل بیت بوده ولی امامت آنان را پذیرفته اند،

کسانی که ولایت و امامت اهل بیت را پذیرفته ولی اهل تبری نیستند یعنی با دشمنان اهل بیت دوستی می کنند،

کسانی که به تولی و تبری معتقد هستند ولی به همه امامان اثنا عشر ایمان نداشته زیدی یا اسماعیلی هستند،

امام زمان حضرت مهدی علیه السلام را نشناخته و درباره آن حضرت تردید دارند،

کسانی که به تولی و تبری وجه بسا به ائمه اثنا عشر ایمان دارند ولی در شان اهل بیت غلو کرده آنان را به مقام خدایی رسانیده اند.

### **و- اولویت ولایت بر دیگر فرائض**

توجه به آیات و روایات نقل شده در فصول گذشته بخوبی می رساند که پس از توحید و نبوت، فریضه ای واجب تر و مهم تر از معرفت و ولایت اهل بیت علیهم السلام در دین یافت نمی شود و حتی بهره گیری از اعتقاد به توحید و نبوت نیز مشروط به این است که فرد، پیرو ولایت ائمه اطهار علیهم السلام باشد و امام زمان خود را بشناسد. اعمال و عبادات او نیز به همین شرط پذیرفته شده، نجات اخروی او نیز مشروط به همین شرط می باشد. لذا زبینه است که

ص: ۷۸

توجه انسان به ولایت آل محمد صلوات الله عليهم اجمعين، از هر امر دیگری بیشتر باشد و این امر را خفیف نشمرد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«لا تستصغروا مودَّتنا فإنَّها من الباقيات الصالحات»

محبت ما را کم نشمريد زیرا که از مصاديق باقيات صالحات است. (۱)

بنابراین انسان باید همه هم خویش را مصروف به امر ولایت کند، زیرا امام صادق علیه السلام فرمودند:

«ما استأهل خلق من الله النظر إليه إلا بالعبودية لنا»

کسی شایسته توجه خدا نمی گردد مگر یا کوچکی در برابر ما. (۲)

لذا کسانی که رحمت و عنایت خدا را می طلبند، جز به در خانه امام زمان حضرت بقیه الله علیه السلام مراجعه نمی کنند، زیرا خدای عز و جل فرمود: (فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ) (۳)

حضرت باقر علیه السلام درباره این آیه فرمودند: منظور از خیرات، ولایت است. (۴) به این ترتیب معنای آیه شریفه این گونه خواهد بود: پس بشتابید بسوی ولایت.

کسی که رعایت مرزهای اعتقادی را نموده، در حق اهل بیت گزافه گویی نمی کند، هر اندازه در مقام توجه و توسل و کوچکی در برابر آنان قرار گرفته، درجات و مراتب آنان را توصیف کند، نباید تصور کند که زیاده روی کرده است که امام صادق علیه السلام فرمودند:

ص: ۷۹

۱- بحار ۲۷: ۱۷۵ ح ۳.

۲- بحار ۲۶: ۲۹۴ ح ۵۶.

۳- سوره بقره: ۱۴۸؛ سوره مائده: ۴۸.

۴- سوره بقره: ۱۴۸؛ سوره مائده: ۴۸.

مبادا گمان کنی که در ولایت ما افراط کرده ای. (۱)

زیرا مقام و فضائل آنها بالاتر از درک و بیان ما بوده، عبادت خدا از طریق اطاعت و محبت و توسل به آنها نیز حدی ندارد.

### ز- لزوم تربیت فرزندان بر ولایت آل محمد علیهم السلام

آرزوی هر پدر و مادری داشتن فرزندان صالح بوده، دغدغه ذهنی آنها همین نکته و تلاش آنان برای فرزندان خویش نیز در همین جهت می باشد. هنگامی که ما جایگاه اعتقاد به ولایت و معرفت امام زمان علیه السلام را در صحنه تفکر دینی دانستیم، لازم است تا اهمیت ویژه ای به معرفت و تربیت فرزندان خویش در جهت تولی و تبری داده، آن را محور تربیت دینی فرزندان خویش قرار دهیم. یعنی با فراهم آوردن زمینه های معرفت دینی، آنان را با اصول ولایت آل محمد علیهم السلام و منطق شیعه آشنا سازیم. تلاشهای دشمن در طول قرون متمادی را برای نابودی اهل بیت علیهم السلام و اخفاء فضائل و مناقب آل محمد علیهم السلام به آنان گوش زد کنیم. آنان را در مجالس سرور و عزای اهل بیت علیهم السلام شرکت دهیم و به این ترتیب، قلب آنان را از محبت اهل بیت علیهم السلام و تنفر نسبت به دشمنانشان مالا مال گردانیم. باید به آنان پیاموزیم که وحدت سیاسی با اهل سنت در برابر دشمن مشترک، تعارضی با تفکی مرزهای حق از باطل در مقام عقیده نداشته، رفتار امیر المومنین علیه السلام در این جهت بهترین الگوی عصر ما است.

باید به امر ولایت در اعتقادات فرزندان خویش و بروزات بیرونی آن بیشتر اهتمام کنیم که امیرالمومنین علیه السلام بارها فرمودند:

ص: ۸۰

«أَيُّهَا النَّاسُ، دِينَكُمْ دِينَكُمْ، تَمَسَّكُوا بِهِ وَلَا يَزِيلَنَّكُمْ وَلَا يَرُدُّكُمْ أَحَدٌ عَنْهُ، لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ خَيْرٌ مِنَ الْحَسَنَةِ فِي غَيْرِهِ، لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ تَغْفِرُ وَالْحَسَنَةَ فِي غَيْرِهِ لَا تُقْبَلُ»

ای مردم، دینتان را مواظب باشید، مبادا کسی شما را از دینتان لغزانده و منحرف کند. زیرا گناه اگر همراه با اعتقاد صحیح باشد، بهتر از حسنه ای است که با عقائد باطل انجام گیرد. زیرا گناهی که با دینداری همراه باشد بخشوده شده، حسنه ای که با انحراف فکری قرین باشد، مورد پذیرش خدا قرار نمی گیرد. (۱)

یعنی که پدر و مادر در عین پیگیری و توجه به نماز، تقوا، حجاب و دیگر فرائض فرزندان، باید به معرفت دینی آنان: خداشناسی، پیامبر شناسی، معاد شناسی و بالاخص ولایت و امام زمان شناسی آنان بهای بیشتری داده، هم بیشتری بر آن بگمارند.

در روایت دیگری که اهل سنت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده اند، آمده است:

جابر بن عبد الله انصاری، صحابی بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در کوچه ها و محله های شهر مدینه می چرخید و می گفت:

«يا معاشر الأنصار، أدبوا أولادكم على حبّ علي»

ای گروه انصار، فرزندانان را بر محبت علی علیه السلام تربیت کنید. (۲)

«أدبوا أولادكم على ثلاث خصال: حبّ نبيكم، وحبّ أهل بيته، وعلى تلاوة القرآن»

فرزندان خود را بر سه صفت تربیت کنید ب-: علاقه به پیامبرتان و

ص: ۸۱

۱- صفات الشیعه: ۳۷ ح ۳۷؛ بحار ۶۸: ۱۶۹ ح ۱۲۴.

۲- معانی الأخبار: ۶ و ۱۸۵.

بر محبت به اهل بیت پیامبر و بر تلاوت قرآن. (۱)

### ح-درجات بالاتر ولایت، با تقاضای از خدا

برای افزایش معرفت و محبت اهل بیت علیهم السلام باید از خدای متعال تقاضا کرد. در فصل (۲) گفته شد که معرفت و محبت اهل بیت علیهم السلام و پیوند و توسل به امام زمان علیه السلام، نعمت، بلکه برترین نعمت خداوند در حق انسان است و اینکه این نعمت، لطف و رزقی است که خدای عز و جل صرفاً به بندگانش نیک و برگزیدگان از آنها عطا فرموده است. لذا خدای عز و جل می فرماید:

(وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ)

ولی خداوند شما را علاقمند به ایمان گردانید و ایمان را در قلب شما آراست، و کفر و گناه و نافرمانی را منفور شما گردانید. (۲)

امام صادق علیه السلام مصداق ایمان که خدا مومنین را بدان علاقمند ساخته، به اعتقاد امیرالمومنین علیه السلام بیان فرموده، منظور از کفر و گناه و نافرمانی را دشمنان آن حضرت دانسته اند. (۴)

خدای عز و جل نیز فرمود:

«يا محمد آليت على نفسى وأقسمت على أئى ألا الهم حبّ على بن أبى طالب إلا من أحبته»

به خودم سوگند خورده ام که محبت علی بن ابی طالب را جز به (قلب) کسانی که آنها را دوست دارم الهام نکنم. (۵)

ص: ۸۲

۱- من لا يحضره الفقيه ۳: ۳۱۸.

۲- جامع الصغير / سيوطي ۱: ۴۲.

۳- سوره حجرات: ۷.

۴- کافی ۱: ۴۲۶ / ح ۷۱.

۵- بحار ۴۰: ۴۷ / ح ۸۳.

وامام صادق علیه السلام فرمودند:

محبت ما اهل بیت را خداوند از آسمان، از مخازنی زیر عرش فرو می فرستد که مانند معادن طلا و نقره بوده، آن را به مقدار مشخص نازل کرده، به بهترین مخلوقات خویش عطا می کند. (۱)

اکنون که دانستیم معرفت و محبت اهل بیت علیهم السلام و توجه و پیوند قلبی با امام زمان علیه السلام، لطف و کرامت خدا در حق انسان است، لذا علاوه بر انجام اعمال شایسته که شاید مقدمه این لطف الهی قرار گیرد، باید به خدای متعال استغاثه نمود و برای خود و فرزندان خود، تقاضای مقادیر عظیم تر و بهره وافرتری از این نعمت نمود. همان گونه که امام صادق علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در دو حدیث گوناگون به ما آموخته اند که بگوییم:

«... اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تَعْرِفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلتَ عَن دِينِي»

خدایا معرفت حجت خویش را به من ارزانی کن که اگر معرفت او را به من عطا نکنی، از دینم گمراه خواهم شد. (۲)

ص: ۸۳

---

۱- تحف العقول: ۳۱۳.

۲- الغیبه نعمانی: ۱۶۶/ح ۶، از امام صادق علیه السلام؛ کمال الدین: ۵۱۲/ح ۴۳، از حضرت مهدی علیه السلام.



خاتمه بحث خود را بخشی از دعای امام رضا علیه السلام درباره امام زمان حضرت مهدی علیه السلام قرار می دهیم که شیعیان را به خواندن این دعا امر می فرمودند. شاید که خداوند متعال، تفضلی کند و به یمن این دعای شریف، ما را از پیروان اهل بیت علیهم السلام و از یاران حضرت مهدی علیه السلام قلمداد فرماید:

«اللهم أسلك بنا على يديه منهاج الهدى والمحجّه العظمى والطريقه الوسطى، التي يرجع إليها الغالی ويلحق بها التالی»

خدایا بر دست امام زمان علیه السلام ما را به مسیر هدایت و راه بزرگ و طریقۀ معتدلی که هر کس که تند رفته و گزاف گفته باید به آن راه بازگشت کند، و آن کس که کند رفته و عقب مانده باید به آن پیوندد برسان.

«وقونا على طاعته وثبتنا على مشايعته وامنن علينا بمتابعته».

و ما را بر پیروی از امام زمان علیه السلام نیرو ده و بر دنباله روی از او ثابت قدم فرما، به متابعت او بر ما منت گذار.

«واجعلنا في حربه القوامين بأمره الطالبين رضاك بمناصحته».

و ما را در گروه او - که به امر او قیام کرده، در رکاب او شکیبایی



نموده، با دلسوزی برای او خشنودی ترا جستجو می کنند - قرار ده.

«حَتَّىٰ تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمَقْوِيهِ سُلْطَانِهِ».

تا اینکه در قیامت ما را در بین یاران و یاری دهندگان و تقویت کنندگان حکومت او محشور گردانی.

«اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشِبْهَةٍ وَرِئَاءِ وَسْمِعِهِ حَتَّىٰ لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَحَتَّىٰ تَحْلِنَا مَحَلَّهُ وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ».

خدایا تمام این کارها (ئی که در راه پیوند و یاری آن حضرت انجام می دهیم) را خالص از هر گونه تردید و اشتباه و تظاهر و شهرت طلبی قرار ده، تا با انجام آنها جز بر تو اعتماد نکرده، خشنودی غیر ترا نجوئیم، تا (در نتیجه) ما را در مکان او و در بهشت همراه با او جای دهی.

«وَأَعِزَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ».

و (در مسیر خدمت به امام زمان علیه السلام) ما را از تنگدلی و تنبلی و سستی پناه ده.

«وَاجْعَلْنَا مَمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَتَعَزُّ بِهِ نَصْرًا وَلِيُكْرِمَكَ وَلَا تَسْتَبَدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ».

و ما را از کسانی قرار ده که توسط آنها دینت را یاری داده، پیروزی امام زمانت را توسط آنها بزرگ می گردانی و (در این خدمت) و ما را با دیگری جایگزین مکن، که جایگزین کردن دیگری بجای ما بر تو آسان و برای ما زیاد خواهد بود.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

